

الزامات مدیریت بحران‌های شهری از دیدگاه حقوق کیفری و فقه امامیه

جابر اسماعیلی

دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

فاطمه احمدی^۱

استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۸/۰۹/۱۵ تاریخ صدور پذیرش: ۱۳۹۹/۰۱/۱۸

چکیده

وقوع بلایای طبیعی، نظیر سیل و زلزله، توفان و گردباد اغلب تأثیرات مخربی بر سکونتگاه‌های انسانی باقی گذارده است و تلفات سنگینی بر ساکنان آن‌ها وارد ساخته است؛ ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها را نابود کرده و عوارض اقتصادی و اجتماعی پدیده‌ای بر جوامع و کشورها تحمیل کرده است. هرچند قانون اساسی به‌طور مستقیم برای مهار بحران‌ها مسئولیتی بر عهده قوه قضائیه ننهاده است، اما نقش این قوه در مهار، مدیریت و پیشگیری از بسیاری مشکلات ناشی از بحران‌هایی که امروزه به یک مشکل اجتماعی تبدیل شده‌اند و یا در حال تبدیل شدن هستند، بسیار حائز اهمیت است. در این مقاله اهمیت نقش قوانین کیفری در مقابله با سوء استفاده‌های احتمالی از وضعیت بحرانی و نیز اختلافات حقوقی ناشی از وقوع بحران‌ها و الزاماتی که در فقه برای مدیریت به‌طور کلی و مدیریت بحران بخصوص مقرر شده است پرداخته می‌شود. سؤال اصلی این مقاله این است که از دیدگاه حقوق کیفری و به ویژه فقه امامیه ضرورت توجه به مدیریت بحران‌های شهری چیست؟ فرضیه‌ای را که برای پاسخگویی به این سؤال اصلی در صدد تحلیل و بررسی آن هستیم این است که به نظر می‌رسد که با توجه پیوند فقه و حاکمیت سیاسی و اجتماعی و حقوقی در ایران مدیریت بحران‌های شهری از منظر فقه امامیه می‌تواند به کارآمدی مدیریت آن‌ها بسیار یاری رساند. روش انجام این تحقیق با توجه به موضوع و اهداف و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت توصیفی - تحلیلی و از طریق بررسی متون قانونی و نظریات حقوقدانان و فقهای در خصوص موضوع حاضر است. بر این اساس جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و مراجعه به پایگاه‌های داده و جستجوی اینترنتی مقالات دارای درجه علمی معتبر و به روز رسانی شده خواهد بود. ابزار گردآوری اطلاعات به صورت فیش‌برداری و بانک‌های اطلاعاتی است. روش تجزیه و تحلیل در این مقاله به صورت کیفی و استدلالی خواهد بود. بدین شیوه که متغیرهای موضوع را مورد بررسی قرار داده و ضمن توصیف و تحلیل داده‌های گردآوری شده به صورت نظام‌مند به تبیین ابعاد مختلف موضوع پرداخته و با گذار از آنچه هست به آنچه باید باشد، داده‌ها مورد استدلال قرار می‌گیرند.

کلمات کلیدی: مدیریت بحران، بحران‌های شهری، حقوق کیفری، فقه امامیه.

مقدمه

وقوع بلایای طبیعی، نظیر سیل و زلزله، توفان و گردباد اغلب تأثیرات مخربی بر سکونتگاه‌های انسانی باقی گذارده است و تلفات سنگینی بر ساکنان آن‌ها وارد ساخته است؛ ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها را نابود کرده و عوارض اقتصادی و اجتماعی پدیده‌ای بر جوامع و کشورها تحمیل کرده است. آسیب‌پذیری سکونتگاه‌های انسانی نسبت به بلایای طبیعی، در نتیجه تمرکز جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در نواحی وسیع و متراکم وضعیت نابسامان و بی‌قاعده سکونتگاه‌های ساکنان کم‌درآمد نواحی شهری و روستایی به‌طور مداوم افزایش یافته است.

در ایران قوانین مصوب درباره مدیریت بحران قدمتی نزدیک به یک قرن دارد. اولین قانون در ۱۳۰۱ ش به تصویب رسید که در خصوص قانون تشکیل جمعیت شیر و خورشید ایران بود و همچنین در سال‌های دیگر، نظیر ۱۳۳۷، قانون تشکیل سازمان دفاع غیرنظامی کشور، سال ۱۳۸۰ تصویب طرح جامع مدیریت بحران شهر تهران، سال ۱۳۸۲ قانون طرح جامع امداد و نجات کشور، سال ۱۳۸۳ قانون برنامه چهارم توسعه، سال ۱۳۸۷ قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور، سال ۱۳۸۸ تصویب آیین‌نامه اجرائی قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور و در نهایت، سال ۱۳۸۹ تصویب برنامه پنج‌ساله توسعه مواد ۱۵۰، ۴۴ و ۱۵۱. در میان این قوانین تصویب‌شده در طول یک قرن اخیر، مهم‌ترین آن‌ها قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران بود که در ۱۳۸۷ به تصویب رسیده است و یک سال بعد، در ۱۳۸۸، آیین‌نامه اجرایی آن نیز به تصویب رسید. این قانون مشتمل بر ۱۵ ماده و ۱۰ تبصره است و هدف اصلی تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور بر طبق ماده ۶ قانون تشکیل آن عبارت است از: ایجاد مدیریت یکپارچه در امر سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، ایجاد هماهنگی و انسجام در زمینه‌های اجرایی و پژوهشی، اطلاع‌رسانی متمرکز و نظارت بر مراحل مختلف مدیریت بحران و ساماندهی و بازسازی مناطق آسیب‌دیده و استفاده از همه امکانات و لوازم مورد نیاز وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌های دولتی و عمومی، بانک‌ها و بیمه‌های دولتی، نیروهای نظامی و انتظامی، مؤسسات عمومی غیردولتی، شوراهای اسلامی، شهرداری‌ها، تشکلهای مردمی، مؤسساتی که شمول قانون بر آن‌ها مستلزم ذکر نام است، دستگاه‌های تحت امر مقام معظم رهبری و نیروهای مسلح در صورت تفویض اختیار معظم‌له، جهت بهره‌مندی بهینه از توانمندی‌های ملی منطقه‌ای و محلی در مواجهه با حوادث طبیعی و سوانح پیش‌بینی‌نشده (قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران، ماده ۶). از طرف دیگر اینکه یکی از اهداف دین، به‌طور کلی و بخش فقه به‌طور خاص، حفظ نظام زندگی بشر است، تقریباً مورد اتفاق متکلمان و فقیهان است. متکلمان این بحث را درباره توجیه ضرورت وجود وحی و پیامبری و نیز مبحث امامت مطرح می‌کنند و فقیهان معمولاً آن را در مقدمه فقه و یا سرآغاز کتب فقهی و گاه در اصول - که به مباحث غیرعبادی و به ویژه عقد و ایقاعات می‌پردازند - بحث می‌کنند. این توجه ویژه به موضوع حفظ چارچوب و نظام اجتماعی بشر از سوی فقیهان، موجب شده است که حفظ نظام مدیریتی جامعه را به عنوان مبنایی تردیدناپذیر در برداشت‌های فقهی به کار بگیرند و هر جا که حفظ نظام به ضرورت حکم ایجابی و یا تحریمی مسئله‌ای منجر شود، به آن حکم کنند و فتوا بدهند. در پژوهش‌هایی که تاکنون در مورد مدیریت بحران‌های شهری در ایران انجام شده است عمدتاً با الهام از منابع انگلیسی به بحث‌های فنی و نیز مدیریتی پرداخته شده است اما در این مقاله اهمیت نقش قوانین کیفری در مقابله با سوء استفاده‌های احتمالی از وضعیت بحرانی و نیز اختلافات حقوقی ناشی از وقوع بحران‌ها و الزاماتی که در فقه برای مدیریت به

طور کلی و مدیریت بحران بخصوص مقرر شده است پرداخته می‌شود. هدف اصلی این مقاله عبارت است از تحلیل و تبیین ضرورت توجه به مدیریت بحران‌های شهری از دیدگاه حقوق کیفری و به ویژه فقه امامیه. سؤال اصلی این مقاله این است که از دیدگاه حقوق کیفری و به ویژه فقه امامیه ضرورت توجه به مدیریت بحران‌های شهری چیست؟. روش انجام این تحقیق با توجه به موضوع و اهداف و شیوه گردآوری اطلاعات به صورت توصیفی - تحلیلی و از طریق بررسی متون قانونی و نظریات حقوقدانان و فقهای در خصوص موضوع حاضر است. بر این اساس جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و مراجعه به پایگاه‌های داده و جستجوی اینترنتی مقالات دارای درجه علمی معتبر و به روز رسانی شده خواهد بود. ابزار گردآوری اطلاعات به صورت فیش‌برداری و بانک‌های اطلاعاتی است. روش تجزیه و تحلیل در این مقاله به صورت کیفی و استدلالی خواهد بود. بدین شیوه که متغیرهای موضوع را مورد بررسی قرار داده و ضمن توصیف و تحلیل داده‌های گردآوری شده به صورت نظام‌مند به تبیین ابعاد مختلف موضوع پرداخته و با گذار از آنچه هست به آنچه باید باشد، داده‌ها مورد استدلال قرار می‌گیرند.

رویکرد نظری

مجموعه اقداماتی که قبل از وقوع، در حین وقوع و بعد از وقوع سانحه، جهت کاهش هرچه بیشتر آثار و عوارض آن انجام می‌گیرد را به عنوان مدیریت بحران تعریف می‌کنند. همچنین امروزه مفهوم «مدیریت ریسک» که بیشتر به انجام امور پیشگیری از بحران تأکید دارد جایگزین و مکملی منطقی برای مدیریت بحران است. در مناطق شهری، اثرات زیان‌بار معمول در اثر وقوع سوانح طبیعی، شامل تلفیقی از ویرانی‌های کالبدی و اختلال عملکرد عناصر شهری است. انهدام سازه‌ها و ساختمان‌های مسکونی، شبکه راه‌ها و دسترسی‌ها مثل پل‌ها و جاده‌های ارتباطی، تأسیسات اساسی مثل مخازن آب، نیروگاه‌ها، خطوط ارتباطی تلفن برق، لوله کشی آب، گاز و از آن جمله است (آخوندی، عباس؛ بحرینی، سید حسین؛ مدیریت بازسازی مناطق آسیب دیده از سوانح طبیعی (داربک، ۱۳۸۳: ۱۹۳).

بحران پیشامدی است که به صورت ناگهانی و گاهی فزاینده رخ می‌دهد و به وضعیتی خطرناک و ناپایدار برای فرد، گروه یا جامعه می‌انجامد. بحران باعث به وجود آمدن شرایطی می‌شود که برای برطرف کردن آن نیاز به اقدامات اساسی و فوق‌العاده است. بحران‌ها بر حسب نوع و شدت متفاوت‌اند. بحران یک فشارزایی بزرگ و ویژه است که باعث در هم شکسته شدن انگاره‌های متعارف و واکنش‌های گسترده می‌شود و آسیب‌ها، تهدیدها، خطرها و نیازهای تازه‌ای به وجود می‌آورد. واژه چینی که برای «بحران» وجود دارد، تصویر بهتری از مؤلفه‌های سازنده بحران را به نمایش می‌گذارد. واژه بحران در زبان چینی از همان حروفی تشکیل شده است که «خطر» و «فرصت» را شکل داده‌اند. بحران همچنان که نشانگر یک مانع، آسیب، ضایعه یا تهدید است، نشانگر فرصت برای رشد یا افول نیز است (حسینی، ۱۳۸۵: ۵۲).

مدل‌های مدیریت بحران

الف) مدل مدیریت بحران تیری و میتراف: تیری و میتراف اظهار می‌کنند که مدیریت اثر بخش بحران سازمانی، جدا از نوع بحران، شامل اداره کردن پنج مرحله مشخص است که بحران‌ها طی می‌کنند:

۱- شناسایی یا ردگیری علائم ۲- آمادگی و پیشگیری ۳- مهار ویرانی ۴- بهبود ۵- یادگیری این مدل با شناسایی یا ردگیری علائم بحران شروع می‌شود و سپس با فرآیند یادگیری از مرحله بهبود پایان می‌پذیرد و سپس نتایج یادگیری به مرحله اول برمی‌گردد و این چرخه همین‌طور ادامه می‌یابد (تاجیک، ۱۳۷۹).

پرواضح است، دو مرحله اول، جزء مراحل قبل از بحران است و مدیریت پیش فعال بحران را شامل می‌شود. هر تلاش یا فعالیتی در طول این مراحل کمک زیادی به شناسایی، پیشگیری و یا جلوگیری از بحران‌های بالقوه در مراحل اولیه می‌کند. در مقابل آن، مراحل سوم و چهارم به عنوان مراحل بعد از بحران هستند که هر فعالیتی در طی آن‌ها صورت می‌گیرد به عنوان فعالیت‌های واکنشی یا منفعل هستند که تلاشی است در جهت مقاومت و یا کنترل شدید بر یک بحران ظاهر شده و یا حداقل کردن ویرانی‌های احتمالی آن به صورت مقایسه‌ای، مدیریت پیش فعال بحران اهمیت ویژه‌ای برای هر سازمان بازرگانی دارد زیرا سازمان را در بسیاری از جنبه‌ها برای رویارویی با موقعیت‌های بحرانی ناخواسته و غیرقابل انتظار آماده خواهد کرد و آن را در یک موقعیت مساعد در زمان وقوع بحران قرار می‌دهد. برای پیدایش یک چنین مدیریتی باید سه فعالیت اصلی صورت گیرد:

۱- ایجاد یک برنامه مدون بحران ۲- تشکیل تیم مدیریت بحران و ۳- آموزش‌های منظم پرسنل برای مواجهه با بحران‌ها (رز، ۱۳۹۰).

ب- مدل واکنشی در مقابل مدل پیش فعال: اساساً، در موقعیت‌های بحرانی از دو روش به بحران می‌نگرند: روش‌های واکنشی و پیش فعال سازمان‌ها هم می‌توانند علائم هشداردهنده را نادیده بگیرند و با وقوع بحران نسبت به آن واکنش نشان دهند و هم می‌توانند خود را برای رویارویی با بحران و مدیریت آن از قبل آماده سازند. در حالت اول پیامدهای ناشی از بحران مشخص نمی‌شوند ولی در حالت دوم نه تنها فرصت‌هایی را برای اداره بحران فراهم می‌سازد بلکه حتی می‌تواند به دفع بحران منجر شود (تاجیک، ۱۳۷۹).

در مدل واکنشی، تصمیمات مربوط به بحران در حین یا بعد از وقایع اتخاذ می‌شود ولی در مدل پیش فعال، تصمیم‌گیرندگان اشکال مختلف بحران و نیز برنامه‌های مواجهه با آن‌ها را پیش‌بینی می‌کنند. اولین مرحله در مدل پیش فعال، تجزیه و تحلیل آسیب‌شناسی بحران است (تاجیک، ۱۳۷۹). اسلاتر مدلی را برای شناسایی عوامل مؤثر در بحران سازمانی ارائه داده است. در این مدل ویژگی‌های مدیریتی و سازمانی بر اثر بخشی تصمیم تأثیر می‌گذارند و سپس متغیرهای محیطی و رقابت به همراه اثر بخشی تصمیم، میزان حرکت به سوی بحران را شکل می‌دهد. متغیرهای محیطی و تغییرات ناگهانی در محیط شامل تغییراتی در بازارها، عرضه‌کنندگان و تأمین‌کنندگان، عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ... هستند.

ویژگی‌های مدیریتی عبارت‌اند از: توانایی‌ها و ویژگی‌های نیروی انسانی و نیز توانمندی‌های مدیران، شیوه‌های رهبری آن‌ها که تأثیر زیادی بر نوع تصمیمات و توانایی سازمان برای مواجهه با بحران دارد.

ویژگی‌های سازمانی شامل اندازه سازمان، منابع، ساختار، دستورالعمل‌های اجرایی و کنترل و ... هستند که بر واقعیت‌های وقوع بحران تأثیر می‌گذارند.

ج- چرخه عمر بحران و دیدگاه استراتژیک نسبت به آن:

چرخه عمر بحران بیان می‌دارد که هر بحران چندین مرحله را طی می‌کند. طبقه‌بندی بحران بر اساس چرخه عمر آن، در مشخص کردن استراتژی‌های مواجهه با بحران در هر یک از مراحل عمرش و حتی چگونگی متوقف کردن بحران برای مدیران مفید است

بر اساس نظرات پیرسون و کلایر مدیریت بحران عبارت است از: تلاش نظام یافته توسط اعضای سازمان همراه با ذی‌نفعان خارج از سازمان، در جهت پیشگیری از بحران‌ها و یا مدیریت اثر بخش آن در زمان وقوع عده‌ای می‌گویند (تاجیک، ۱۳۷۹).

اگر مدیریت بحران را برنامه‌ریزی برای کنترل بحران تعریف کنیم نخست باید پدیده‌های ناگوار پیش‌بینی شوند، سپس باید برنامه‌های اقتصادی تنظیم گردند، پس از آن باید تیم‌های مدیریت بحران تشکیل و آموزش داده شوند و سازمان‌دهی گردند و سرانجام باید برای تکمیل برنامه‌ها، آن‌ها را به صورت آزمایشی و با تمرین عملی به اجرا درآورد.

الف- پیش‌بینی بحران و بررسی نقاط بحران‌خیز و آسیب‌پذیر: در ممیزی بحران از روش‌های منطقی برای دریافت نقاط بحران‌خیز و آسیب‌پذیر استفاده می‌شود هنگامی که مدیران یک سلسله از پرسش‌هایی نظیر «چه خواهد شد، اگر چنان شود؟» و «اگر چنین شود، چه پیش خواهد آمد؟» را مطرح می‌کنند، سناریوهای «حوادث ناگوار» موضوع بحث قرار می‌گیرند. در این مرحله، ممکن است استفاده از «طبقه‌بندی بحران‌ها» مفید و مثمر ثمر باشد (تاجیک، ۱۳۷۹).

ب- تهیه برنامه اقتضایی برای مواجهه با بحران: برنامه‌های اقتضایی برای مواجهه با بحران‌های احتمالی، در قالب یک مجموعه برنامه پشتیبانی تنظیم می‌گردند تا در صورت بروز مشکل، مورد استفاده قرار گیرد. برنامه‌های اقتضایی باید به گونه‌ای تنظیم شوند تا حتی المقدور، کلیه علائم هشدار دهنده حوادث و سوانح را مشخص کنند، اقداماتی برای خنثی‌سازی یا تعدیل وضعیت بحرانی طراحی و نتایج مورد انتظار از هر اقدامی را پیش‌بینی کنند.

ج- تشکیل تیم مدیریت بحران و آموزش نیروی انسانی: تیم‌های مدیریت بحران در سازمان‌ها با گروه‌های ضربت در نیروی انتظامی که برای برخورد با وضعیت‌های فوق‌العاده (مانند گروگان‌گیری) تشکیل می‌شوند، شباهت دارند. این گروه‌ها بر حسب نوع بحران‌هایی که احتمال وقوع دارند، از تخصص‌های متعدد و متنوعی برخوردار می‌گردند (تاجیک، ۱۳۷۹).

د- تکمیل برنامه‌ها از طریق اجرای آزمایشی: گروه‌های کنترل‌کننده بحران را می‌توان مانند گروه‌های ورزشی و یا تیم‌های اطفای حریق آموزش داد و برای افزایش «تجربه کارگروهی»، «اثربخشی» و «سرعت در واکنش» تحت تمرین و آزمایش قرار داد و در این مرحله، استفاده از «فنون شبیه‌سازی»، «تمرین عملی» و «تقلید کردن» بسیار سودمند است. البته مدیریت عالی باید از این گونه تمرین‌ها حمایت کند تا انگیزه افراد برای ایفای نقش‌های خود افزایش یابد و تمرین‌کنندگان، اهمیت کار خود را دریابند، بنابراین، باید سیستم‌های اثربخشی و مناسبی برای پاداش

دادن به تلاش‌های کارکنان در این زمینه استفاده شود تا آنان به تمرین جدی برای رویارویی با بحران برانگیخته شوند (حسینی، ۱۳۸۷).

به عبارت کوتاه مدیریت ارشد سازمان باید حمایتگر تشکیل تیم مدیریت بحران در سازمان، ایجاد یک سناریوی که بدترین حالت ممکن را نشان دهد و تعریف رویه‌ای اجرایی استاندارد برای انجام فعالیت‌های قبل از وقوع بحران باشد.

در زمان وقوع بحران سه فعالیت اصلی باید انجام شود:

۱. تمرکز بر اشاعه اخبار اطلاعاتی که مورد تمایل عموم باشد

۲. مشخص کردن یک نفر به عنوان سخنگوی سازمان

۳. ارسال پیام‌ها و گزارش‌ها به صورت حرفه‌ای در رسانه‌ها

بعد از وقوع بحران دو فعالیت اصلی باید صورت گیرد:

۱. شناسایی عوامل ایجاد کننده بحران برای استفاده‌های آینده

۲. برقراری ارتباط با ذی‌نفعان برای آگاه‌سازی آن‌ها از نتایج و اثرات بحران.

در نهایت انتظار می‌رود سازمان‌هایی که دارای برنامه‌های مدیریت بحران هستند قادر باشند:

۱. روابط کاری با رسانه‌های خبری برقرار کنند و افرادی در ادارات شناسایی کنند که به آن‌ها در اشاره اخبار برای عموم یاری می‌رسانند.

۲. برای دعوای قضایی و شکایات حقوقی آمادگی لازم را داشته باشند.

۳. در مواقع اضطراری اطلاعات دقیق و به موقع ارائه دهند.

۴. رسوایی‌های مالی را کنترل کنند (حسینی، ۱۳۸۷).

۵. تأثیر وقایع بحرانی را بر شهرت سازمان به حداقل برسانند.

۶. تخصص و تعهد سازمانی را برای مواجهه با بحران افزایش دهند.

الزامات مدیریت بحران‌های شهری از دیدگاه حقوق کیفری

از منظر کلان، قانون اساسی مجموعه‌ای است متضمن اصول و قواعد رفتاری با سازمانی که در یک متن رسمی و تشریفاتی، به وسیله مقامات صالح به تصویب رسیده و بر افراد و سازمان‌ها و متصدیان امور و قوانین عادی حاکم است. آنچه که در این متن مصوب وجود دارد دارای خصلت قانون برتر است و سایر قوانین و مقررات و مجریان اداری و قضایی باید از آن تبعیت کنند و بدان سر بسپارند (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۷: ۳۹). مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۵۸ و اصلاحی ۱۳۹۸ چنین بیان می‌دارد:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی است.

حال سؤال این است که این میثاق ملی مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آیا در مورد نهادها و مؤسسات مسئول بحران‌های طبیعی به ترسیم خطوط کلی و تدوین اصول یا اصلی راهبردی مبادرت نموده است یا

نه؟

با نگاهی به اصول قانون اساسی مشخص می‌گردد که مفهومی به نام «بحران‌های طبیعی» برای خبرگان قانون اساسی کاملاً غریب و ناآشنا بوده است و انقلابیونی که استبداد سیاسی رژیم پهلوی و وضعیت اسفبار اجتماعی و شاید بروز بحران‌های طبیعی متعدد ناشی از سیاست‌های رژیم حاکم س یکی از علل عمده شورش و طغیان آن‌ها بود، در ترسیم و تدوین نظم جدید از توجه جدی و کلان به بحران‌های طبیعی غافل شدند. شاید از دید خبرگان قانون اساسی با برچیده شدن رژیم پهلوی و جایگزینی حکومت اسلامی، اصلاً بحران بروز و ظهور نمی‌یابد تا نوبت به مدیریت آن برسد. اگر هم بحران ظاهر شود مسئله‌ای حاشیه‌ای و فرعی تلقی می‌شود. خبرگان قانون اساسی در مقدمه این قانون ذیل موضوع قضا، در قانون اساسی، مقرر نموده‌اند: مسئله قضا در رابطه با پاسداری از حقوق مردم در حال حرکت اسلامی، به منظور پیشگیری از انحرافات موضعی در درون امت اسلامی امری است حیاتی که نشانگر رویکردی حاشیه‌ای به مسائل و مشکلات اجتماعی است الا.

با این وجود، با مداخله در اصول قانون اساسی و بررسی وظایف قوای سه گانه و سایر نهادهای پیش بینی شده در این قانون، به اصولی برخورد می‌کنیم که تا حدودی - هرچند به طور غیر مستقیم - می‌توان آن‌ها را با مسئله مدیریت بحران‌های طبیعی مرتبط دانست.

فصل ششم قانون اساسی به قوه مقننه اختصاص داده شده است و اصل ۷۱ ذیل همین فصل بیان می‌دارد که از مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می‌تواند قانون وضع کند. همچنین اصل ۷۹ بیان می‌دارد: مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد، نیز اصل ۴۴ مقرر می‌دارد: «هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید.» بنابراین ملاحظه می‌گردد که مجلس شورای اسلامی از طریق وضع قوانین و مقررات برای حل بحران‌های طبیعی و تحقیق و تفحص در این زمینه می‌تواند نقش مهمی در مدیریت بحران‌های طبیعی داشته باشد.

در این راستا بر اساس آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۷۸ / ۷ / ۱۸ کمیسیون‌های مختلفی از قبیل کمیسیون اجتماعی، بهداشت و درمان، قضایی و حقوقی پیش بینی شده است:

بر اساس ماده ۵۹ آیین نامه داخلی مجلس در مسائل مهم و استثنایی که برای کشور پیش می‌آید، تشکیل کمیسیون ویژه‌ای برای رسیدگی و تهیه گزارش ضرورت پیدا می‌کند و بنا به پیشنهاد حداقل ۱۵ نفر از نمایندگان و با تصویب مجلس این کمیسیون تشکیل می‌شود. پس مجلس می‌تواند با تشکیل کمیسیون ویژه برای بحران‌های طبیعی پیش آمده نقش مهمی در رسیدگی و تهیه گزارش راجع به آن‌ها داشته باشد.

به کلیه متصدیان و دستگاه‌هایی که کار ویژه آن‌ها جنبه اجرایی دارد، در قانون اساسی، قوه مجریه می‌گویند و وظایف آن را زیر سه عنوان طبقه‌بندی می‌کنند:

الف: اجرای تصمیمات قوای دیگر ب: تهیه و تدارک تصمیمات.

و ج: اتخاذ تصمیمات لازم الاجرا (قاضی شریعت پناهی، ۱۳۷۷: ۲۵۷ - ۲۰۸).

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با اختصاص فصل نهم خود به قوه مجریه، ساختار، تشکیلات و وظایف آن را مشخص نموده است.

رئیس جمهور به عنوان عالی‌ترین مقام اجرایی بعد از رهبری، مسئولیت اجرای قانون اساسی و ریاست قوه مجریه را بر عهده دارد (اصل ۱۱۳) او ریاست هیئت‌وزیران را بر عهده داشته بر کار آن‌ها نظارت دارد و با اتخاذ تدابیر لازم به هماهنگی ساختن تصمیم‌های وزیران و هیئت دولت می‌پردازد و با همکاری وزیران، برنامه‌ها و خط‌مشی دولت را تعیین و قوانین را اجرا می‌کند (اصل ۱۳۴).

بر اساس اصل ۱۲۷ قانون اساسی: رئیس‌جمهوری می‌تواند در موارد خاص، برحسب ضرورت یا تصویب هیئت‌وزیران نماینده با نمایندگان ویژه با اختیارات مشخص تعیین نماید.

قوه مجریه به عنوان یک نهاد اجرایی گسترده همچنین در تنظیم سیاست دولت و تهیه لوایح قانونی برای تسلیم به قوه مقننه در هدایت مسئولیت قانون‌گذاری نقش تعیین‌کننده‌ای را بر عهده دارد. با وجود نهادها و مؤسسات و شوراهای اجرایی مختلف خارج از قوه مجریه، می‌توان ادعا نمود که قوه مجریه عمده‌ترین و مهم‌ترین نهادی است که از نزدیک درگیر مسائل و مشکلات اجتماعی است. این قوه است که در ارتباط مستمر با قوه مقننه به ترسیم و تهیه برنامه‌های توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی کشور می‌پردازد و بودجه‌بندی و تخصیص اعتبارات برحسب اوست. سازمان برنامه‌بودجه و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به عنوان دو نهاد مهم در سیاست‌گذاری‌های کلان در این راستا خودنمایی می‌کنند. رئیس‌جمهور می‌تواند بر اساس اختیار داده‌شده در اصل ۱۲۷ قانون اساسی به تعیین هیئت‌های ویژه برای تحقیق در مورد بحران‌های طبیعی مبادرت کند.

اصل ۱۵۶ قانون اساسی بیان می‌دارد: قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت» و عهده‌دار وظایف زیر است: ۱- رسیدگی و صدور حکم در مورد نظلمات، تعدیات، شکایات، حل و فصل دعاوی و رفع خصومات و اخذ تصمیم و اقدام لازم در آن قسمت از امور حسبه که قانون معین می‌کند ۲- احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی‌های مشروع ۳- نظارت بر حسن اجرای قوانین -کشف جرم و مجاز است، تعقیب و تعزیر مجرمین و اجرای حدود و مقررات متون جزایی

و اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین

و در راستای اصل فوق، اصل ۱۰۷ مقرر می‌دارد که وظایف رئیس قوه قضائیه به شرح زیر است: الف - ایجاد تشکیلات لازم در دادگستری به تناسب مسئولیت‌های اصل یکصد و پنجاه

ب - تهیه لوایح قضایی متناسب با جمهوری اسلامی ایران

هرچند قانون اساسی به‌طور مستقیم برای مهار بحران‌های طبیعی مسئولیتی بر عهده قوه قضائیه ننهاده است، اما نقش این قوه در مهار، مدیریت و پیشگیری از بسیاری مشکلات اجتماعی که امروزه به یک بحران تبدیل شده‌اند و یا در حال تبدیل شدن هستند، بسیار حائز اهمیت است. در این راستا با توجه به اصول فوق می‌توان به دو دلیل عمده اشاره نمود:

۱- از آنجایی که دیدگاه سرکوبگرانه و کیفر مدار در حل مسائل و مشکلات اجتماعی در بعد از انقلاب غلبه داشته است، بسیاری از رفتارهای فاصله‌گیر از میانگین رفتارهای اجتماعی

انحرافات و رفتارهای خصوصی شهروندان از طریق ساز و کار جرم‌انگاری عنوان جرم گرفته و به قانون کیفری راه یافته‌اند، امروزه بسیاری از مسائل و مشکلات اجتماعی که از آن‌ها تحت عنوان یک بحران به نام می‌برند با نگاهی به سیاهه قوانین کیفری عنوان مجرمانه‌ای ما را نیز با خود یدک می‌کشند (کشوردوست، ۱۳۹۲).

به عنوان مثال اگر امروزه در ایران از بحران جنسی و گسترش پدیده روسپیگری سخن به میان می‌آید، با نگاهی به قوانین کیفری موجود، جرم‌انگاری‌های گسترده‌ای را در مورد این موضوع مشاهده می‌نماییم. یا اگر مسئله مواد مخدر و اعتیاد در ایران امروز به یک بحران تبدیل شده است، در کنار پاسخ‌های غیر کیفری ما شاهد جرم‌انگاری‌های وسیع در مبارزه و پیش‌گیری کیفری در این حیطه هستیم

بدین‌سان، با زدن برچسب مجرمانه بر روی یک بحران با توجه به بند ۴ اصل ۱۵۹ قانون اساسی، وظیفه پیشگیری از آن، از طریق ساز و کارهای کیفری به دستگاه قضایی سپرده می‌شود. بنابراین نهاد دادگستری در ایران امروز به دلیل تلقی مجرمانه از بحران‌های اجتماعی، نقش پیشگیری کیفری از آن‌ها را بر عهده دارد.

۲- علاوه بر پاسخ‌های کیفری که بعد از وقوع عمل مجرمانه اعمال می‌گردند، خبرگان قانون اساسی با وضع بند ۵ اصل ۱۰۹ وظیفه دیگری را بر عهده قوه قضائیه نهاده‌اند و آن اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم است. آیا وجود این بند بدین معناست که قوه قضائیه مسئولیت و تولیت پیشگیری از جرم به معنای علمی و متداول را بر عهده دارد؟ و یا فقط مدیریت و سیاست‌گذاری بر عهده اوست؟

در پاسخ می‌توان گفت که با توجه به گستردگی و متنوع بودن قلمرو پیشگیری از جرم، واگذاری مسئولیت آن به یک نهاد نمی‌تواند چندان کارساز باشد؛ از طرف دیگر بیشترین وظایف قوه قضائیه پس از ارتکاب جرم مطرح می‌شود و مداخله نهاد دادگستری به عنوان نهادی سرکوبگر قبل از وقوع جرم برای پیشگیری از ارتکاب آن بسیار خطرناک بوده و حقوق و آزادی‌های فردی را در معرض خطر تجاوز جدی قرار می‌دهد (زینالی، ۱۳۸۱: ۱۰۷).

از طرف دیگر اکنون واقعیتی به نام قانون اساسی داریم که هنوز معلوم نیست چه زمانی بازنگری شود، پس برای وضع موجود باید راه حلی یافت که علمی باشد. بدین ترتیب با این قرائت که بنده اصل ۱۰۹ ترجمه عنوان کنگره‌های پنج‌ساله پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین سازمان ملل متحد است، قوه قضائیه باید با استفاده از مطالعات این کنگره‌های پنج‌ساله پیشگیری از وقوع جرم، در سطح جامعه مدیریت و سیاست‌گذاری کند (نجفی‌ابرناد آبادی، ۱۳۷۹: ۸۰).

بدین‌سان اگر بگوییم که قوه قضائیه مسئول و مجری پیشگیری از جرم به معنای علمی و متداول آن، یعنی پیشگیری اجتماعی و وضعی است، این ایده با ماهیت وظایف قوه و ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل آن در تضاد است. به هر حال اگر بپذیریم که قوه قضائیه مدیریت و سیاست‌گذاری در زمینه پیشگیری از جرم را بر عهده دارد، نقش این قوه در پیشگیری از بحران‌های طبیعی برجسته خواهد شد زیرا همان‌گونه که گفته شد بحران‌های طبیعی ایران امروز با مسئله بزهکاری آن چنان در هم تنیده شده‌اند که سیاست‌گذاری مجرد برای هر یک بدون در نظر گرفتن دیگری تقریباً غیر ممکن است و بسیاری از بحران‌های طبیعی از عنوان مجرمانه برخوردارند.

بر طبق اصل ۱۷۹ قانون اساسی یکی از وظایف شورای عالی امنیت ملی، هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی، اطلاعاتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی در ارتباط با تدابیر کلی دفاع امنیتی، تعیین گردیده است. گذشته از اینکه

پیش بینی مسئولیت فوق برای شورای عالی امنیت ملی، نشان از رویکرد امنیتی، سیاسی به مسائل و فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی دارد، با این وجود شورای عالی امنیت ملی با توجه به حضور روسای سه قوه در آن و قدرت واقعی آن در حکومت، می‌تواند نقش بنیادینی در زمینه بحران‌های طبیعی و مدیریت آن‌ها، ایفا نماید؛ و همچنین بر اساس بند سه اصل ۱۷۹ یکی دیگر از وظایف آن بهره‌گیری از امکانات مادی و معنوی کشور برای مقابله با تهدیدهای داخلی و خارجی تعیین گردیده است؛ و می‌توان با اندکی مسامحه بروز و ظهور برخی بحران‌های طبیعی را از جمله تهدیدات داخلی تلقی کرد.

با نگاهی به سیر قانون‌گذاری راجع به مدیریت بحران در ایران مشخص می‌گردد که نه تنها در ادبیات قانون‌گذاری ایران مفهومی به نام «بحران» به رسمیت شناخته نشده است. بلکه به طریق اولی یک نهاد فراگیر و کلان نگر دولتی برای مهار بحران‌های طبیعی شکل نگرفته است. بر عکس در مورد بحران‌ها و بلایای طبیعی، قانون‌گذار با جامع‌نگری خاصی به پیش بینی نهادهای خاص و در سطح کلان اقدام نموده است. به عنوان مثال در این زمینه می‌توان از قانون تشکیل کمیته ملی کاهش اثرات بلایای طبیعی مصوب ۹ مرداد ۱۳۷۰ نام برد. به موجب این قانون «کمیته ملی کاهش اثرات بلایای طبیعی» به منظور مبادله اطلاعات، مطالعه، تحقیقات علمی و پیدا کردن راهکارهای منطقی جهت پیشگیری و کاهش اثرات بلایای طبیعی ناشی از طوفان، سیل، خشک‌سالی، سرمازدگی، آفات گیاهی، آلودگی هوا، زلزله و لغزش‌های لایه زمین. نوسانات آب دریاها و دریاچه‌ها و رودخانه‌ها و امثال آن به ریاست وزیر کشور و عضویت وزراء و مسئولان سازمان‌ها (در غیاب وزراء، معاونان ذی‌ربط شرکت می‌کنند) و عضویت سازمان هواشناسی، وزارت نیرو، وزارت کشاورزی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، وزارت جهاد سازندگی، وزارت راه و ترابری، سازمان برنامه‌وبودجه، سازمان حفاظت محیط‌زیست، وزارت مسکن و شهرسازی، موسسه ژئوفیزیک، جمعیت هلال احمر، سازمان جنگل‌ها و مراتع وزارت بازرگانی و هر وزارتخانه، موسسه نهاد و نیروی انتظامی و یا نظامی که ریاست این کمیته جهت انجام مطالعات و تحقیقات دامنه‌دار بر روی بلایای کشور، تاریخچه آن‌ها، پیش‌آگاهی و همچنین برای اعلام وضعیت اضطراری و نحوه مقابله با جبران خسارت‌ها با کمیته‌های فرعی موردنیاز مشخص می‌کند تشکیل خواهد شد. بر اساس آیین‌نامه اجرای قانون فوق کمیته‌های فرعی نه‌گانه‌ای پیش‌بینی گردیده است (کشوردوست، ۱۳۹۲).

ملاحظه می‌گردد که قانون‌گذار با چه دقت و ظرافت و جامع‌نگری نسبت به وضعیت‌های بحرانی و اضطراری ناشی از بلایای طبیعی سیاست‌گذاری نموده و کمیته خاص را پیش‌بینی نموده است، اقدامی که در مورد بحران‌های طبیعی هرگز انجام نداده است. با این وجود، هرچند سیاست واحد و منسجم و هماهنگی راجع به مدیریت بحران‌های طبیعی شکل نگرفته است اما به‌طور کلی نمی‌توان ادعا نمود که سیاست‌گذاران ما از مسئله بحران‌های طبیعی غافل بوده‌اند. در مورد مهار بسیاری از مسائل و مشکلات اجتماعی که امروزه به مرحله بحرانی رسیده‌اند، قانون‌گذار ایران به طور خودآگاه و ناخودآگاه نهادها و سازم آن‌هایی را پیش‌بینی نموده است. وجه غالب سیاست‌های تقنینی ایران در این است که بیشتر ناظر به بعد از بروز و ظهور آسیب‌های اجتماعی است و به رویکردهای پیشگیرانه کمتر توجه شده است. به طور کلی می‌توان بیان کرد که در واگذاری مسئولیت مدیریت و کنترل بحران‌های اجتماعی به نهادهای دولتی سه رویکرد عمده به آن‌ها، مؤثر واقع شده‌اند:

اول) رویکرد سیاسی، امنیتی و قضایی به مسائل و مشکلات اجتماعی در این رویکرد بیشتر تمرکز بر روی خود «پدیده» مشکل زا و بحران‌زا است و به دنبال حفظ نظام و ساز کارهای موجود هستند. دوم) رویکرد اصلاحی، درمانی و پزشکی به مسائل و مشکلات اجتماعی که در این نوع رهیافت تمرکز بر روی «فرد» ایجاد کننده مشکل و بحران به عنوان یک بیمار است و نهادهای مسئول به دنبال اصلاح و بازپروری و باز اجتماعی کردن او برای بازگشت به جامعه و پیروی از هنجارهای مورد قبول، هستند. سوم) رویکرد پیشگیرانه و کلان در مدیریت بحران‌های طبیعی که منجر به واگذاری مسؤلیت مدیریت و سیاست‌گذاری به نهادهای فرابخشی (شورایی گردیده است.

بر اساس ماده ۱ قانون راجع به تعیین وظایف و تشکیلات شورای امنیت کشور: به منظور بررسی جریانات و پیش‌آمدهای عمده و اساسی امنیت داخلی و اتخاذ تصمیمات و تدابیر هماهنگ در جهت پیشگیری و مقابله با مسائل مربوط به آن شورای امنیت کشور به مسؤلیت وزیر کشور عهده‌دار وظایف زیر خواهد بود.

الف - جمع‌بندی و بررسی اخبار، گزارش‌ها و تجزیه و تحلیل‌های مربوط به وقایع حساس امنیتی، سیاسی و اجتماعی کشور جهت بهره‌برداری سریع به منظور ترسیم وضع موجود و پیش‌بینی تحولات آتی ملاحظه می‌گردد که وقایع حساس اجتماعی در کنار وقایع سیاسی و امنیتی ذکر گردیده و اتخاذ تصمیمات در جهت پیشگیری و مقابله با آن‌ها به شورای امنیت کشور سپرده شده است.

ماده ۴ قانون فوق‌الذکر در بر شمردن وظایف استاندار به عنوان مسئول امنیت استان، تشکیل جلسات فوق‌العاده شورا در مواقع ضروری را به تشخیص او پیش‌بینی کرده است. همچنین ماده ۵ در تبیین وظایف شورای تأمین استان چنین بیان می‌دارد: الف - جمع‌بندی و بررسی اخبار و گزارش‌ها و تجزیه و تحلیل‌های مربوط به امور حساس امنیتی، سیاسی و اجتماعی استان. ب - گزارش وضع امنیتی، سیاسی و اجتماعی استان به شورای امنیت کشور (مرتضوی، ۱۳۹۲).

بر اساس ماده ۳ قانون نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۶/۱۳۸۹/ ۲۷: «هدف از تشکیل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی و نگهبانی و پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی در چارچوب این قانون در قلمرو کشور جمهوری اسلامی ایران است». طبق ماده ۴: مأموریت و وظایف نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران عبارت است از: ۱- استقرار نظم و امنیت و تأمین آسایش عمومی و فردی ۲- مقابله و مبارزه قاطع و مستمر با هرگونه خرابکاری، تروریسم، شورش و عوامل و حرکت‌هایی که مخل امنیت کشور باشد، با همکاری وزارت اطلاعات...

همچنین بند ۸ تبصره ۳ ماده ۴ مأموریت این نیرو را چنین بیان می‌دارد: انجام وظایفی که بر طبق قانون به عنوان ضابط قوه قضائیه به عهده نیروی انتظامی محول است از قبیل: الف) مبارزه با مواد مخدر ب) مبارزه با قاچاق (ج) مبارزه با منکرات و فساد د) پیشگیری از وقوع جرم (کشوردوست، ۱۳۹۲).

ملاحظه می‌گردد بسیاری از مسائل اجتماعی که امروزه با هر رویکردی به آن رنگ بحران داده‌اند، در حیطه وظایف نیروی انتظامی قرار می‌گیرد. اصولاً این نهاد پلیس در کشور است که با شهروندان در ارتباط مستمر است، چه زمانی

که در نقش پلیس اداری وظیفه حفظ نظم عمومی را بر عهده دارد و چه زمانی که به عنوان ضابط قوه قضائیه عمل می‌کند.

الزامات مدیریت بحران‌های شهری از دیدگاه فقه امامیه

بحران^۱ حادثه‌ای است که به طور طبیعی هم چون سیل و زلزله یا توسط بشر مانند جنگ به طور ناگهانی یا به طور فزاینده‌ای به وجود می‌آید و سختی و مشقتی بر انسان یا جامعه تحمیل می‌کند که باید برای برطرف کردن آن اقدامات اساسی و فوق‌العاده‌ای انجام گیرد. بحران دارای اقسامی است که شامل بلا^۲ و فاجعه^۳ می‌شود. پس بحران عبارت است از یک وضعیت غیر متعادل و ناپایدار که بر اثر وقوع حادثه غیرمترقبه زلزله و جنگ در جامعه یا سیستم ایجاد شده است. بحران می‌تواند به وضعیت بهتر یا بدتر منجر شود. مدیریت بحران^۴ در برگیرنده یک سری عملیات و اقدامات پیوسته و پویاست که شامل برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، تشکیلات و رهبری و مهار و کنترل بحران است. اهداف مدیریت بحران شامل کاهش توان خطر، اعمال کمک‌های فوری و در خور به هنگام ضرورت، دست‌یابی سریع و عملی به جبران وضع موجود و بازگشت به وضعیت مطلوب و طبیعی است. چرخه مدیریت بحران نیز شامل سه مرحله اساسی: آمادگی، پاسخگویی و بهبود و بازسازی است. مدیریت جامع بحران یک اصطلاح جدید است، ولی سابقه‌ای به اندازه حضور بشر در زمین و دنیا دارد؛ زیرا بشر از همان آغاز با خطر و بحران مواجه بوده است. مدیریت جامع بحران، فرآیند عملکرد، برنامه‌ریزی و اقدامات اجرایی و دستگاه‌های اجرایی است که توسط دستگاه دولتی، غیردولتی و عمومی پیرامون شناخت و کاهش سطح مخاطرات (مدیریت ریسک) و مدیریت عملیات مقابله و بازسازی و بازتوانی منطقه آسیب‌دیده (مدیریت بحران) صورت می‌پذیرد. در این فرآیند با مشاهده پیش‌نشانگرها و تجزیه و تحلیل آن‌ها و منابع اطلاعاتی در دسترس تلاش می‌شود به صورت یکپارچه، جامع و هماهنگ با استفاده از ابزارهای موجود از بحران‌ها پیشگیری نموده یا در صورت بروز آن‌ها با آمادگی لازم در جهت کاهش خسارات جانی و مالی به مقابله سریع پرداخته تا شرایط به وضعیت عادی بازگردد. در آیات قرآنی به انواع و اقسام بحران‌ها چه بحران‌های ناشی از وقوع حادثه غیرمترقبه همانند خشک‌سالی، زلزله و نیز بحران‌های سیاسی و نظامی و اقتصادی اشاره و توجه داده شده است. در این جا به برخی از گزارش‌های قرآنی درباره بحران‌ها و مدیریت آن‌ها اشاره می‌شود: بحران برهنگی: شاید نخستین بحرانی که انسان با آن مواجه شده باشد، بحران برهنگی است. بر اساس گزارش قرآن، وقتی حضرت آدم(ع) با چشیدن(اعراف، آیه ۲۲) یا خوردن(طه، آیه ۱۲۱) از میوه درخت ممنوع گرفتار برهنگی شد و جسدش آشکار شد، تلاش کرد تا بحران را مدیریت کند و با پوشیدن خود با برگ‌های درختان موقتاً بحران را از سر بگذارند و سپس در اندیشه لباس و جامه‌ای برای پوشش خود و رهایی از برهنگی شود. برخی البته واژه «سوا» را به معنای تنها عورت دانسته‌اند، در حالی که در آیه ۳۱ سوره مائده، این واژه برای بیان جسد و بدن آدمی به کار رفته است. به هر حال بلیه برهنگی بحرانی از مصادیق اضطرار بالاختیار بوده است؛ یعنی انسان به اختیار و اراده خویش خود را در وضعیت بحرانی برهنگی قرار می‌دهد. البته این بحران برهنگی ارتباط

^۱.Crisis

^۲.Disaster

^۳.Catastrophe

^۴.Managemens Crisis

تنگاتنگی با بحران امنیت اخلاقی نیز دارد که پیامدهای روان شناختی بحران نیز می‌بایست مد نظر قرار گیرد؛ زیرا فقدان پوشش مناسب، آثار و تبعاتی داشته است که روح و روان حضرت آدم(ع) و حوا(س) را می‌آزرد. سرعت و شتاب در مدیریت این بحران نشان دهنده اهمیت پوشش و جامه در ذات انسانی است، به طوری که فقدان آن برایش آزار دهنده و رنج آور بود. از این روست که آنان به شتاب در اندیشه فراهم آوری پوشش هر چند ابتدایی برای رهایی از این بحران برهنگی داشتند و در گام نخست به برگ‌های درختان توسل جستند تا از آن رهایی یابند. (اعراف، آیه ۲۲؛ طه، آیه ۱۲۱). بحران هبوط: دومین بحرانی که انسان با آن مواجه شد، بحران هبوط است که بحرانی مقامی و مکانی است. به این معنا که انسان با خوردن و چشیدن از درخت ممنوع و تخطی از امر و فرمان پروردگار هم از مقام خویش هبوط کرد و هم گرفتار مکان بدتر شد که دیگر شباهتی با بهشت آدم(ع) نداشت. در بهشت آدم از هر گونه گرسنگی، تشنگی، آفتاب‌زدگی و برهنگی در امان بود؛ اما با هبوط گرفتار این چهار سختی و شقاوت شد. (طه، آیات ۱۱۷ تا ۱۲۲) آن حضرت(ع) برای عبور از این بحران دست به دعا و استغفار و مناجات شد. هر چند که شرایط به طور کلی تغییر نیافت و هرگز نتوانست به بهشت نخستین بازگردد، ولی شرایط به گونه‌ای تغییر یافت که بتواند در محیط جدید، زندگی کند و از چهار بلیه اصلی کمی فاصله گیرد؛ زیرا با پذیرش توبه حضرت آدم(ع) افزون بر کاهش درد و رنج، از هدایت‌های الهی برخوردار شد تا زمینه و راه بازگشت به بهشت ابدی برایش فراهم آید. (بقره، آیات ۳۴ تا ۳۸ و آیات دیگر). بحران نهان‌سازی جسد: از دیگر بحران‌هایی که انسان ابتدایی با آن مواجه شد، بحران جسد انسان است. زمانی که قابیل به حسادت بردارش هابیل را کشت، با تن بی‌روح و جان برادر مواجه شد و ندانست با آن چه کند. در این جا بود که قابیل با بهره‌گیری از آموزش‌های طبیعت، کیفیت و چگونگی دفن و نهان‌سازی جسد را آموخت و خود را از این بحران نجات داد. (مائده، آیات ۳۰ و ۳۱). بحران خشک‌سالی و قحطی: از دیگر بحران‌هایی که قرآن گزارش کرده، بحران خشک‌سالی و قحطی هفت ساله مصر است. خداوند این گزارش این بحران را در آیات ۴۳ تا ۵۵ سوره یوسف بیان کرده است. آن حضرت(ع) به دلیل برخورداری از علم تعبیر خواب و رؤیا، از خشک‌سالی که در آینده گریبان گیر مصر می‌شود، خبر می‌دهد و به نوعی پیشگویی بر اساس رؤیا می‌پردازد. سپس برای مدیریت بحران پیش‌بینی‌های علمی را انجام می‌دهد و به پادشاه مصر می‌گوید که در مدیریت بحران می‌بایست همه دستگاه‌های دولتی و مردمی بسیج شوند تا با کشت و اندوخته سازی و انبار محصولات در اشکال گوناگون از این بحران به سلامت عبور کرد و اوضاع را مدیریت کرد. امنیت غذایی در بحران خشک‌سالی و قحطی نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و علمی است. از این روست که خود را به عنوان علیم و دانا به علم مدیریت از جمله مدیریت بحران معرفی می‌کند و از آن جایی که محافظت بر همه محصولات زمینی در گذر از بحران بسیار مهم است خود را حفیظ معرفی نموده و می‌گوید با این دو شرط است که می‌توان از بحران‌هایی از این دست عبور کرد. به سخن دیگر، در بحران‌هایی چون بحران غذایی و خشک‌سالی تدبیر امور با کسانی است که از نظر علمی متخصص و از نظر تعهدات اخلاقی و انسانی، حفیظ و نگه دارنده باشد. از این آیات هم چنین به دست می‌آید که رهبران جامعه می‌بایست این امور را هر چند به شکل رویا و خبری غیر علمی باشد، کم اهمیت و کوچک شمارند و به احتمال آن که خطر و بحرانی در راه است باید تمهیدات و آمادگی لازم اندیشه و فراهم آید؛ بنابراین احتمال کم وقوع سیل و زلزله و مانند آن می‌بایست اندیشه رهبران را درگیر و مدیران لایق و شایسته را

انتخاب و همه ابزارها و منابع انسانی و مالی را فراهم و در اختیار مدیران متخصص و متعهد قرار دهند. آن حضرت هم چنین تمام مراحل در چرخه مدیریت را به شکل برنامه‌ریزی شده‌ای مدیریت کرد و همه اهداف را با یک برنامه‌ریزی علمی و دقیق برآورده کرد. شاید بتوان گفت که مدیریت حضرت یوسف(ع) یک مصداق از مدیریت جامع و کامل است که درس‌های بسیاری می‌توان از آن آموخت. جالب این که ایشان تا آن جا در مدیریت بحران موفق بوده که حتی دیگران از ملت‌های دیگر نیز برای برآورد نیازهای خویش به مصر رفتند و از محصولات آنجا برای گریز و رهایی از بحران قحطی و خشک‌سالی سود بردند. (یوسف، آیات ۵۸ تا ۷۵) (بحران عذاب: از دیگر گزارش‌هایی قرآن درباره بحران می‌توان بحران قوم یونس(ع) اشاره کرد. قوم یونس(ع) که برخوردار از نعمت‌هایی الهی بودند کفر و کفران ورزیدند و خداوند به عذاب آنان را تهدید کرد. با خروج رهبر از جامعه، بحران آشکار شد. البته مردم با دیدن نشانه‌ها و علائم عذاب و بحران، با بهره‌گیری از رهبری عالمی از علمای جامعه، با استغفار و توبه توانستند از بحران بگذرند. خداوند در آیه ۹۸ سوره یونس می‌فرماید که تنها قومی که با بحران عذاب به شکلی برخورد کردند که بتوانند از آن عبور کنند، قوم یونس(ع) است. البته خود حضرت یونس(ع) با بحران دیگری مواجه می‌شود که توفان و حمله نهنگ بود. با قرعه‌ای که انداخته شد، ایشان به آب انداخته و نهنگ او را می‌بلعد. او برای رهایی از بحرانی که با آن مواجه بوده با تسبیح، استغفار و توبه توانست بحران را مدیریت و از عذاب حتم الهی که بقا در شکم نهنگ تا روز قیامت بود، رها شود. (صافات، آیات ۱۳۹ تا ۱۴۷؛ قلم، آیات ۴۸ تا ۵۰؛ انبیاء، آیه ۸۷) بحران محاصره نظامی و اقتصادی: از دیگر بحران‌هایی که قرآن گزارش می‌کند، بحران محاصره نظامی و اقتصادی بود که مردم مدینه به ویژه در جنگ احزاب با آن مواجه شدند. اقدامات تأمینی که رهبری و دولت مدنی انجام داد مجموعه‌ای از فعالیت‌هایی بود که بتواند از نظر روانی و امنیتی و اقتصادی و غذایی جامعه را از بحران پیش آمده بیرون برد. حفر و کندن خندق و گودال دور شهر، مبارزه با شایعه پراکنی، تهدید دشمنان داخلی از منافقان و یهودیان و ایجاد رعب در دل‌های آنان، از جمله اقداماتی بود که رهبری برای مبارزه و عبور از بحران اندیشه بود. بی‌گمان می‌توان مدیریت جامع بحران در جنگ احزاب و محاصره مدینه شناسایی و بررسی کرد و از آن درس‌هایی آموزنده‌ای آموخت. (احزاب، آیات ۹ تا ۲۷) پیامبر(ص) نخستین کاری که در بحران احزاب انجام داد، ایجاد رعب در دل دشمنان داخلی برای تأمین امنیت داخلی بود. ترسی که با اشکال گوناگون از جمله فرستادن سعد بن معاذ به میان یهودیان ایجاد کرد، تأثیرات شایعات ضد امنیتی را کاهش داد و حتی با مقابله به مثل شایعات را به جامعه منافقان و دشمنان داخلی از یهود و غیر یهود برد تا آنان را در ترس و رعب قرار دهد. در جنگ احزاب هم چنین می‌توان نقش نیروهای مسلح را در کنترل بحران‌های ناشی از بلایا و فاجعه‌ها به ویژه در تأمین امنیت ردگیری و به دست آورد؛ زیرا حفر خندق دور مدینه توسط ارتش و نیروهای مسلح یکی از راه‌های تأمین امنیت جامعه مدنی و مردم از هجوم بود تا بتوانند در یک محیط کاملاً نظامی به جنگ علیه نیروهای نظامی دشمن بپردازند و دشمن نتواند به بیوت و خانه‌هایی مردم مدینه وارد شود که از حمایت و حفاظتی برخوردار نبود. این اقدام تأمینی موجب شد تا گروه‌های نفاق نتوانند توجیه گر بی حفاظتی خانه و غیرنظامیان خود شوند؛ زیرا اقدامات حفاظتی و امنیتی برای تأمین امنیت غیرنظامیان و مردم عادی با حفر خندق فراهم آمده بود. (احزاب، ۹ تا ۲۷)

یکی از بحران‌هایی که جوامع را تهدید می‌کند بحران قومیتی است. یکی از بحران‌هایی که حضرت موسی(ع) با آن مواجه شد، بحران اقوام بود. ایشان می‌بایست ضمن تأمین امنیت غذایی به سبب خروج از مصر و گرفتاری در بیابان و هم چنین بحران فقدان آب و یا کمبود آب(بقره، آیات ۵۷ و ۶۰ و ۶۱) با بحران قومیت‌های یهودی و اسباط دوازده‌گانه مقابله نماید. آن حضرت(ع) در اشکال گوناگون تلاش کرد تا وحدت امت را حفظ کند و اجازه ندهد که گرایش‌های قومی و قبیله‌ای این وحدت را مخدوش سازد. ایجاد دوازده نهر از یک چشمه برای ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز و نیز گذر از بحران رقابت‌های قبیله‌ای بود(اعراف، آیه ۱۶۰).

یکی دیگر از مهم‌ترین بحران‌های طبیعی که جوامع را تهدید می‌کند، بحران امنیتی است. زمانی که یهودیان در مصر بودند، مورد شکنجه و آزار بودند. پس از قیام و نهضت حضرت موسی(ع) علیه فرعون و قومش، آنان برای سرکوب نهضت به تشدید عذاب و اعمال زشت خود را آوردند و تحریم‌ها را گسترش داده و با تهاجم فرهنگی زنان یهودی را به بی‌حیایی و بی‌عفتی سوق دادند. جامعه یهودی با انواع و اقسام بحران‌ها مواجه شد. فرعونیان کودکان را می‌ربودند و به زنان یهودی تجاوز می‌کردند. (بقره، آیه ۴۹؛ اعراف، ۱۴۱؛ ابراهیم، آیه ۶؛ قصص، آیه ۴) امنیت اقتصادی و روانی و اخلاقی و حتی جانی جامعه در معرض تهدید قرار گرفت. در این زمان بود که حضرت موسی(ع) فرمان داد تا یهودیان در یک منطقه گرد آیند و خانه‌هایشان را رو به روی هم بسازند تا از مشکل امنیتی رهایی یابند و این گونه بتوانند از یک دیگر محافظت نمایند و فشار فرعون و فرعونیان را بر جامعه یهودی کاهش دهند. (یونس، آیه ۸۷).

یکی دیگر از بحران مهم در زندگی حضرت موسی(ع) بحران رهبری و چالش سامری است. سامری که خود از علمای یهود و از اهل بصیرت و دانایی بود، در زمان فقدان رهبر و حضور جانشین آن، تلاش کرد تا رهبری امت را به دست گیرد و یک جریان انحرافی را در قوم ایجاد کند. حضرت هارون، برای حفظ وحدت و امنیت جامعه تنها به هشدار و انذار بسنده کرد و به جهاد علمی رو آورد و از جهاد فیزیکی و نظامی دست کشید. هدف آن حضرت(ع) حفظ وحدت امت بود که پس از خروج از مصر به سختی به دست آمده بود. اسباط و قبایل گوناگون یهودی همواره در کشمکش قدرت و تفاخر بودند و کوچک‌ترین حرکتی می‌توانست این اتحاد شکننده را از میان بردارد. از این روست که هارون(ع) به عنوان جانشین رهبری هیچ اقدام نظامی و خشونت‌آمیز در هنگام بروز جریان انحرافی انجام نداد. سامری از این موقعیت استفاده کرد و با زینت مردم و زر و سیم آنان گوساله‌ای زرین درست کرد و به عنوان خدای موسی(ع) به مردم معرفی کرد. این جریان خود بحران‌های چند جانبه‌ای را موجب شد، از این رو، مبارزه با افرادی جاهل و غیر متعهد و منتظر خشم و خروج بسیار سخت بود. هارون شیوه‌ای را اتخاذ کرد تا بحران به شکلی گسترش نیابد که وحدت امت را مخدوش کند و مردم را به کشتن و قتل یک دیگر بشکاند. پس از بازگشت حضرت موسی(ع) ایشان هر چند که نخست اعتراض شدیدی به جانشین رهبری می‌کنند، ولی پس از این که استدلال هارون(ع) را می‌شنود که هدف تنها حفظ وحدت در امت بود، به سراغ رهبر جریان انحرافی می‌رود و با چند رفتار بحران پیش آمده را مدیریت و مهار می‌کند. نخستین گام مباحثه علمی با مدعی رهبری و روشنگری در این زمینه بود، گام دوم آتش زدن گوساله زرین تا نشان دهد که کاری از خدای باطلی چون گوساله زرین بر نمی‌آید؛ سوم کار طرد اجتماعی رهبر جریان انحرافی بود به طوری که نتواند هیچ تماسی با مردم داشته باشد؛ چهارم، کشتن

منحرفان به دست خودشان و سپس احیای مجدد آنان تا نشان دهد که حقیقت احیاء و اماتة در دست اوست. (بقره، آیات ۵۱ و ۵۴ و ۹۳؛ طه، آیات ۹۶ و ۹۷؛ اعراف، آیه ۱۵۰ و آیات دیگر).

یکی دیگر از بحران اساسی که قرآن آن را گزارش کرده و از مدیریت جامع آن سخن به میان آورده است، بحران سیاسی درباره جانشین و رهبری است. این مسئله یک بار در جانشینی حضرت هارون (ع) پدید آمده بود؛ زیرا جریان انحرافی سامری با گوساله‌پرستی و تغییر مفاهیم اصلی و اصول و اهداف انقلاب موسوی بر آن بود تا چنین نشان دهد که خدای حضرت موسی (ع) همین گوساله زرین است تا این گونه رهبری به حق را از حقوق خود محروم کرده و مردم را به رهبری خود بکشاند. همین جریان دوباره در نصب جانشین برای پیامبر (ص) بروز کرد؛ به این معنا که گروهی می‌خواستند تا فقدان رهبری پس از پیامبر (ص) پدید آید و خود عهده‌دار رهبری جامعه شوند. این گروه هم چنین با تغییر برخی از مفاهیم چون معنا و مفهوم ولایت، خلافت و مانند آن جریان انحرافی را شکل دادند و تا جایی پیش رفتند که خواستند همانند قصه هارون (ع)، امام علی (ع) این منصوب الهی برای خلافت و رهبری را بکشند. (اعراف، آیه ۱۵۰؛ مائده، آیه ۶۷) پیامبر (ص) برای مدیریت بحران فقدان رهبری یا فقدان مشروعیت رهبری بر آن آمد تا همه تمهیدات را فراهم آورد تا جامعه با چنین امری مواجه نشود. تمام تمهیدات برای نصب امام علی (ع) به عنوان خلیفه و جانشین پیامبر (ص) از سوی خدا و پیامبر (ص) فراهم اندیشه شد و این جریان در غدیر خم رقم خورد و آن روز دین اسلام به تمامیت کمال خود دست یافت. (مائده، آیه ۳) البته دشمنان تلاش کردند تا قبل از نصب پیامبر (ص) بکشند و پس از آن نیز با پی کردن ناقه تلاش خود را علنی کردند که البته خداوند ایشان را حفظ کردند. (مائده، آیه ۶۷) خداوند در آیه ۵۶ سوره مائده به طور صریح و شفاف ولایت امر و تولی امور مسلمانان و رهبری امت را پس از پیامبر (ص) به امیرمؤمنان علی (ع) سپرده بود که در نشانه بارز آن زکات انگشتی در هنگام نماز و در رکوع بود. (مائده، آیه ۵۵) اما جریان انحرافی این تولی و ولایت را بر نتابید با بحرانی را در جامعه رقم زد که امیرمؤمنان (ع) تنها با سکوت ۲۵ ساله خود جهت حفظ وحدت توانست از نابودی امت اسلام جلوگیری به عمل آورد. در حقیقت او را همانند هارون تهدید به قتل کردند و ایشان نیز مانند هارون (ع) تنها به جهاد علمی پرداخت و جریان انحرافی را رسوا کرد. قبر مخفی حضرت فاطمه (س) مهم‌ترین و اصلی‌ترین، شاهد و گواه بر رسوایی این جریان انحرافی است.

البته در آیات قرآنی مصادیق و موارد بسیاری دیگر است که به مسئله مدیریت بحران پرداخته است. خداوند برای رهایی و پیشگیری از بحران‌ها که در دو قالب بلای کیفی و ابتلای امتحانی تحقق می‌یابد، از مؤمنان می‌خواهد که نماز آیات بخوانند و یا استغفار کرده و تقوا پیشه گیرند و حقوق مالی خود ادا کنند تا گرفتار بلایای به ظاهر طبیعی چون خشکسالی و زلزله و سیل و مانند آن و یا ابتلائی چون کمبودها، جنگ‌ها، نقص در اموال و انفس، فقدان امنیت غذایی و امنیت روحی و روانی و مانند آن نشوند. (اعراف، آیه ۹۶؛ نحل، آیه ۱۱۲؛ آل عمران، آیه ۱۴ و آیات بسیار دیگر) این‌ها تنها گوشه‌ای از حقایق درباره مدیریت بحران‌ها و رهایی و پیشگیری از آن‌هاست که در این جا مطرح شده است، ولی در این مطلب به همین میزان بسنده می‌شود. در لابلائی معارف و آموزه‌های دینی، مفهوم تاب‌آوری با عبارات متعددی طرح شده است. به نظر می‌رسد در واژه‌هایی دینی چون «صبر» و «توکل» و «ایمان» و حتی «تقوا» مفهوم تاب‌آوری به خوبی قابل مشاهده است. مدعای ما این است که دین‌داری و عامل دین و معنویت و

مؤلفه‌های کارآمدی چون صبر و توکل و ایمان می‌توانند به تاب آور نمودن بیش از پیش جامعه منتج شوند و بیانجامد. تعبیر ما از تاب‌آوری به زبان دینی «صابرین» و «جامعه صبور» است. گاه، شخص حقیقی مانند افراد جامعه، صبور و تاب‌آوراند و گاه شخص حقوقی مثل سازمان‌ها صبور و تاب‌آور هستند. به نظر می‌رسد میان دین‌داری و نگرش دینی با شکیبایی و تاب‌آوری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این مطلب در تحقیقات محققان در جای خود اثبات شده است. (گریف و همکاران ۲۰۰۷؛ حمید و همکاران، ۱۳۹۱) پیروی از دستورات و آموزه‌های دینی، زندگی جهت‌دار و هدفمندی در زندگی، می‌تواند شخص را در مواجهه با مشکلات و ناکامی‌ها و بلایا و حوادث و بحران‌های زندگی، شکیبا و قدرتمند نموده، او را قادر سازد آن‌ها را به آسانی تحمل نماید و از هم نگسلد و عنان از دست ندهد. این دقیقاً ترجمان مفهوم تاب‌آوری است. وقتی حادثه تلخی مانند زلزله رخ داده و شخص عزیزان خود را از دست می‌دهد و انبوهی از درد و رنج و مشکلات بر سر او آوار می‌شود داشتن روحیه‌ای مذهبی و دینی و بازیگری عنصری مقدس به نام «توکل بر خدا» و «رضا به رضای خدا» منجر به این می‌شود که شخص آسیب‌دیده با انعطاف و کشسانی عجیبی در مقابل این حجم از رنج و فشار نشکند و با آرامش بیشتر بر اضطراب‌ها و عواطف منفی خود غلبه کند و شیوه مناسب‌تری برای مواجهه با مشکلات خود بیابد. این اثر، یک مفهوم دینی عمیق است که می‌تواند روان یک فرد را چنان مستحکم نماید که درهم نشکند و تاب بیاورد.

اگر به دنبال جامعه‌ای صبور با تاب‌آوری بالا هستیم باید روی مؤلفه‌های دینی سرمایه‌گذاری کنیم. تنها، آموزه‌های دینی می‌توانند مهارت‌های خود مدیریتی و تاب‌آورانه را در فرد ایجاد کنند، رشد دهند و به بار بنشانند. مفاهیم ارزشمندی مانند «تقوا» یعنی مدیریت بر نفس و «صبر» تنها در عرصه دین می‌توانند درخشانده و کارآمدی داشته باشند. جامعه متقی، جامعه‌ای صبورتر و تاب‌آورتر است. *وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ (البقره، ۴۵)* «از شکیبایی و نماز یاری جوید»؛ *وَ تَوَاصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ* و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند (العصر، ۳)؛ برای این صبر اجر و پاداشی بس عظیم است. امام صادق علیه‌السلام فرمود: *مَنْ ابْتَلِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ بِبَلَاءٍ فَصَبَرَ* علیه کان له مثل اجر ألف شهید نراقی، جامع السادات، ج ۳، ص ۴۰۴ هر مؤمنی به بلایی مبتلا شود و بر آن شکیبایی ورزد برای او چونان هزار شهید پاداش خواهد بود.

تاب‌آوری، هم بخشی از مرحله بازسازی از مراحل چهارگانه مدیریت بحران و هم جزئی از مرحله آمادگی محسوب می‌شود. اگر مدیریت بحران در صدد ایجاد و حفظ آمادگی جامعه برای پاسخگویی مناسب به حوادث و سوانح است یا اگر می‌خواهد در مرحله بازسازی، سرعت عمل داشته و در حداقل زمان، حداکثر میزان بازسازی را ارائه دهد، باید در موضوع دین‌داری جامعه هدف خود کار کرده باشد. این یک کار فرهنگی و سرمایه‌گذاری فرهنگی بسیار کارآمد و مؤثر در مدیریت بحران است. برای کار فرهنگی با سمت‌وسوی دینمدارانه و همراه با پیوست دینی، موارد ذیل می‌تواند در تاب آور نمودن جامعه هدف بسیار مؤثر و مفید باشد.

۴-۳- مدیریت بحران در آیات و روایات

سوانح طبیعی همچون زلزله، سیل، قحطی و امثال آن پدیده‌هایی‌اند که در اثر فعل و انفعالات طبیعی به وجود می‌آیند و گاهی خرابی‌های زیادی ببار آورده و آسیب‌های جانی و مالی فراوانی را بر انسان‌ها تحمیل می‌کنند.

بنابر آموزه‌های دین اسلام، وقوع سوانح طبیعی تنها به دلیل فعل و انفعالات نبوده، بلکه عوامل غیرمادی هم در تحقق آن‌ها تأثیر می‌گذارد. یکی از عوامل بسیار مهم در وقوع سوانح طبیعی، فراگیری گناه در میان مردم است که در روایات تأکید فراوان بر این مهم شده است تا آنجا که بیشترین توجه آیات و روایات به اسباب معنوی این سوانح بوده و کمتر از عوامل مادی آن سخن گفته شده است. آیات قرآن و روایات علیهم‌السلام تأکید دارند که نابودی تمدن‌ها و اقوام و ملل پیشین به‌وسیله زلزله، طوفان، قحطی و بیماری بوده و سبب نابودی آن‌ها کفر و شرک، ستیز با پیامبران و خدایپرستان و ارتکاب همگانی و آشکارا به گناهان بوده است که به ذکر نمونه‌هایی از آن بسنده می‌کنیم.

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبٌّ غَفُورٌ. فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَ بَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَ اثَلٍ وَ شَىءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ. ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِمَا كَفَرُوا وَ هَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ.

قطعا برای (مردم) سبأ در محل سکونتشان نشانه (رحمتی) بود؛ دو باغستان از راست و چپ. (به آنان گفتیم): از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید. شهری است خوش و خدایی آمرزنده پس روی گردانیدند و بر آنان سیل (سد) عزم را روانه کردیم و دو باغستان آن‌ها را به دو باغ که میوه‌های تلخ و شوره‌گز و نوعی از کنار تنک داشت، تبدیل کردیم این (عقوبت) را به (سزای) آن که کفران کردند به آنان جزا دادیم و آیا جز ناسپاس را به مجازات می‌رسانیم؟.

فَلَوْ لَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةً يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أُتْرِفُوا فِيهِ وَ كَانُوا مُجْرِمِينَ. وَ مَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَ أَهْلِهَا مُصْلِحُونَ.

پس چرا از نسل‌های پیش از شما خردمندانی نبودند که (مردم را) از فساد در زمین بازدارند؟ جز اندکی از کسانی که از میان آنان نجاتشان دادیم؛ و کسانی که ستم کردند به دنبال ناز و نعمتی که در آن بودند رفتند و آنان بزهکار بودند؛ و پروردگار تو (هرگز) بر آن نبوده است که شهرهایی را که مردمش اصلاح‌گرند، به ستم هلاک کند. عوامل ابتلاء مؤمنان:

در اینجا با این پرسش روبرو هستیم: آنان که از صف فاسقان و گناهکاران بیرون‌اند به چه علت در این سوانح آسیب می‌بینند و همچون دیگران به ضررهای جانی و مالی دچار می‌گردند؟ برای پاسخ به این پرسش توجه به چند نکته ضروری است:

بلايا و سوانح طبیعی تنها برای تأدیب گناهکاران محدود نمی‌شود، بلکه برای ابتلاء مؤمنان علل دیگری دارد که یکی از مهم‌ترین آن‌ها پاک شدن از گناهان در دنیاست که در پی آن از مجازات اخروی و عذاب دوزخ نجات پیدا می‌کنند.

بلايای دنیوی آزمایشی برای سنجش ایمان مؤمنان و پایداری آنان در برابر قضا و قدر الهی است.

سوانح طبیعی و بلايا سبب ترفیع درجه معنوی اولیاء الهی شده و بر قرب آنان نسبت به درگاه الهی می‌افزاید.

یکی دیگر از عوامل فراگیری بلا بر صالحان، بی‌تفاوتی آنان به علنی شدن گناه و فسق و فجور است، اگر چه آنان خود دوری از گناه می‌کنند.

یاری آسیب دیدگان:

سوانح طبیعی به دنبال خود آسیب‌های فراوانی بر جان و مال مردم ببار می‌آورد. در این میان خوب و بد با هم می‌سوزند. وظیفه انسانی و دینی مقتضی آن است که به یاری آنان بشتابیم و از کاستن رنج مالی و جانی آنان هیچ‌گونه دریغی نوزیم.

پیامبر صلی الله فرمود: کسی که نسبت به امور مسلمین بی‌تفاوت باشد مسلمان نیست. بر همین اساس باید بسیج همگانی شد و هرکس به اندازه توان خود در کاستن رنج آسیب‌دیدگان تلاش کند.

دوری‌گزینی از مناطق سانحه خیز:

یکی از توصیه‌های اسلام آن است که انسان‌ها پس از آگاهی از امکان وقوع سوانح در برخی از نقاط، باید از آن مناطق دوری کنند و از نزدیک شدن بدان به‌طور جد خودداری کنند و چنانکه توجهی به این نکته نکنند و جان خود را از دست دهند از مصادیق کسانی خواهند بود که خودکشی کرده‌اند "وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ".

توصیه دیگر اسلام به آسیب‌دیدگان آن است که رنج این آسیب‌ها را تحمل کرده و شکیبایی ورزند و با فزع و جزع از خداوند شکوه نکنند. آنان که صبر کنند خداوند به پاداش صبرشان در صورتی که با حکمت او سازگار باشد، در دنیا و آخرت آسیب‌های آنان را جبران می‌کند و اگر در دنیا امکان نداشت در آخرت با پاداش‌های بسیار بزرگ جبران رنج دنیایی آن‌ها را می‌کند.

سپاسگزاری در عافیت ماندگان:

یکی دیگر از توصیه‌های اسلام در مسئله بلایا این است که با دیدن بلازدگان خدا را شکرگزار باشند، ولی شکرگزاری آنان نباید موجب رنج آسیب‌دیدگان گردد و بر همین اساس باید به گونه‌ای شکرگزاری کنند که آسیب‌دیدگان متوجه آن نشوند.

عوامل دفع و رفع بلایا:

برخی از اسباب معنوی وجود دارد که جنبه دفعی و رفعی دارد، یعنی یا با وجود آن‌ها مانع از پیشامدش می‌شوند و یا پس از وقوع سانحه مانع از آسیب‌رسانی و شدت یافتنش شده و رفع بلا می‌کنند. به‌طور نمونه، چنانچه اکثریت مردم در راه بندگی و اطاعت خدا گام بر دارند خداوند رحمتش را نازل کرده و مانع از عذاب آنان می‌گردد؛ و یا تلاوت آیات قرآن همچون آیه الکرسی و چهار قُل و جز آن‌ها تأثیر بسیار زیادی در دفع و رفع بلا دارد. صدقه دادن و دعا کردن نیز سببیت دارد، در این میان دعا نقش بسیار مهمی دارد و توصیه‌های فراوانی شده است که در دوران عافیت و سلامت پیشاپیش خدا را بخوانید و از او بخواهید که شما را به بلا و آسیب دچار نکند. در اهمیت دعا همین بس که برای دفع و رفع هر یک از سوانح طبیعی ادعیه خاصی توصیه شده است.

نماز آیات:

یکی از توصیه‌های دیگر اسلام برای آسیب‌دیدگان، خواندن نماز آیات است. سوانح طبیعی مشابه سوانحی هستند که پیش از برپایی قیامت تحقق پیدا می‌کنند، با این تفاوت که بسیار ضعیف‌تر از سوانح قیامت‌اند. بر همین پایه توصیه شده است که با وقوع این حوادث نماز آیات خوانده شود و وقایع پیش از قیامت را در یاد داشته باشند.

۱- سوانح و بلایای طبیعی

الف- زلزله

سَأَلَ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيُّ أَبَاعَبْدِ اللَّهِ (ع): عَنِ الزَّلْزَلَةِ مَا هِيَ فَقَالَ آيَةٌ، فَقَالَ: وَمَا سَبَبُهَا؟ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَكَلَّ بِعُرُوقِ الْأَرْضِ مَلَكًا فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُزَلِّلَ أَرْضًا أَوْحَى إِلَى ذَلِكَ الْمَلِكِ أَنْ حَرَّكَ عِرْقَ كَذَا وَكَذَا، قَالَ: فَيَحْرُكُ ذَلِكَ الْمَلِكُ عِرْقَ تِلْكَ الْأَرْضِ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَتَتَحَرَّكَ بِأَهْلِهَا. قَالَ: قُلْتُ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَمَا أَصْنَعُ؟ قَالَ: صَلِّ صَلَاةَ الْكُسُوفِ، فَإِذَا فَرَعْتَ خَرَرْتَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ سَاجِدًا، وَتَقُولُ فِي سُجُودِكَ: يَا مَنْ يُمَسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَكَيْنَ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا، يَا مَنْ يُمَسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ أَمْسِكْ عَنَّا السُّوءَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

سليمان ديلمی درباره زلزله از امام صادق (ع) پرسید: زلزله چیست؟ حضرت فرمود: نشانه‌ای است. پرسید: علت آن چیست؟ فرمود: همانا خدای تبارک و تعالی فرشته‌ای را بر رگ و ریشه‌های زمین موکل کرد تا هرگاه خداوند خواست که زمین را بلرزاند به آن فرشته وحی می‌کند که فلان رگ را حرکت ده. فرمود: آنگاه همان فرشته، رگ زمین را که خدای تبارک و تعالی فرمان داده حرکت می‌دهد و زمین اهلهش را به حرکت در می‌آورد. راوی گوید: عرض کردم پس هرگاه چنین شد، چکار کنم؟ فرمود: نماز کسوف (آیات) بخوان. هرگاه نماز را به انجام رساندی در برابر عظمت خداوند عزوجل سجده کن و در سجدهات بگو: ای که آسمان‌ها و زمین را از نابودی نگاه می‌دارد و اگر نابود شوند جز او کسی نمی‌تواند آن‌ها را نگاه دارد؛ چرا که او بردبار و آمرزنده است. ای که آسمان را باز می‌دارد تا جز به اجازه او بر زمین فرو نریزد! بدی را از ما باز دار؛ چرا که تو بر هر چیزی توانایی.

ب- باد و طوفان

رَسُولُ اللَّهِ (ص): الرِّيحُ ثَمَانٌ أَرْبَعٌ مِنْهَا عَذَابٌ وَ أَرْبَعٌ مِنْهَا رَحْمَةٌ فَالْعَذَابُ مِنْهَا الْعَاصِفُ وَ الصَّرَصْرُ وَ الْعَقِيمُ وَ الْقَاصِفُ وَ الرَّحْمَةُ مِنْهَا النَّاشِرَاتُ وَ الْمُبَشِّرَاتُ وَ الْمُرْسَلَاتُ وَ الذَّارِيَاتُ فَيُرْسِلُ اللَّهُ الْمُرْسَلَاتِ فَتَنْشُرُ السَّحَابَ ثُمَّ يُرْسِلُ الْمُبَشِّرَاتِ فَتُلْقِحُ السَّحَابَ ثُمَّ يُرْسِلُ الذَّارِيَاتِ فَتَحْمِلُ السَّحَابَ فَتَدِيرُ كَمَا تَدِيرُ اللَّفْحَةُ ثُمَّ تَمْطُرُ وَ هُنَّ اللَّوَائِحُ ثُمَّ يُرْسِلُ النَّاشِرَاتِ فَتَنْشُرُ مَا أَرَادَ

رسول خدا (ص): بادها هشت نوع‌اند: چهار نوع آن‌ها عذاب است، و چهار نوع آن‌ها رحمت است؛ عذاب آن‌ها عبارت‌اند از: عاصف (طوفان)، صرصر (گوش خراش)، عقیم (مهلک) و قاصف (شکننده) و رحمت آن‌ها عبارت‌اند از: ناشرات (پراکنندگان)، مبشرات (مژده دهندگان)، مرسلات (فرستندگان) و ذاریات (افشانندگان). پس خداوند مرسلات را می‌فرستد تا ابرها را بپراکند، سپس مبشرات را می‌فرستد تا ابرها را در هم آمیزند، سپس ذاریات را می‌فرستد تا ابرها را باردار کنند و آن‌ها همانند حیوان باردار بارور می‌شوند، سپس درحالی‌که بارور شده‌اند می‌بارند، آنگاه ناشرات را می‌فرستد تا آن‌ها را هر جا که بخواهد بپراکند.

ج- شیوع بیماری

سُئِلَ زَيْنُ الْعَابِدِينَ (ع) عَنِ الطَّاعُونَ أَنْبَرًا مِمَّنْ يَلْحَقُهُ فَإِنَّهُ مُعَذَّبٌ؟ فَقَالَ (ع): أَنْ كَانَ عَاصِيًا فَابْتَرَأَ مِنْهُ طُعْنٌ أَوْ لَمْ يُطْعَنَ وَ إِنْ كَانَ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مُطِيعًا فَانَّ الطَّاعُونَ مِمَّنْ يُمَحَّصُ (به) ذُنُوبُهُ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ عَذَّبَ بِهِ قَوْمًا وَ يَرْحَمُ بِهِ الْآخَرِينَ، وَاسِعَةٌ قُدْرَتُهُ لِمَا يَشَاءُ. أَلَا تَرَوْنَ أَنَّهُ جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً لِعِبَادِهِ، وَ مَنْضَجًا لِثَمَارِهِمْ، وَ مَبْلَغًا لِأَقْوَاتِهِمْ وَ قَدَّيْعَذَّبَ بِهَا قَوْمًا يَبْتَلِيهِمْ بِحَرِّهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ (بِذُنُوبِهِمْ)، وَ فِي الدُّنْيَا بِسُوءِ أَعْمَالِهِمْ

از امام زین‌العابدین (ع) درباره طاعون پرسیدند: آیا از کسی که بدان دچار گشته است دوری و تبری جوئیم، به خاطر این که عذاب دامن‌گیرش شده است؟ امام (ع) فرمود: اگر او گناه‌کار باشد، من از او برائت می‌جوئیم؛ چه گرفتار طاعون باشد و چه نباشد؛ و اگر او پیرو فرمان خداوند عزّ و جل باشد، هرآینه طاعون از ناحیه کسی است که با آن گناهان او را پاک می‌کند. همانا خداوند عزّ و جل به وسیله آن قومی را کیفر دهد و قوم دیگر را رحمت کند. قدرت او هر چیزی را بخواهد فرا می‌گیرد. آیا نمی‌نگرید که او خورشید را برای بندگانش مایه روشنایی و برای میوه‌هایش مایه رسیدن و برای روزی‌هایشان مایه دستیابی قرار داده است؟ در حالی که گاهی به‌وسیله آن قومی را کیفر می‌دهد؛ یعنی در روز قیامت با حرارت آن به خاطر گناهانشان و در دنیا به خاطر رفتار بدشان گرفتار می‌سازد.

د- سیل

رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَا تَعَجَلُوا بِالْبَلِيَّةِ قَبْلَ نَزُولِهَا، وَ قَارِبُوا وَ سَدُّوْا، فَإِنْ عَجَلْتُمْ بِهَا قَبْلَ نَزُولِهَا فَإِنَّهَا سَبَبٌ بِكُمْ السَّيْلِ هَهُنَا وَ هَهُنَا.

رسول خدا (ص): به بلا پیش از فرود آمدنش شتاب نکنید و (به خدا) نزدیک شوید و استوار گردید. اگر پیش از فرود آمدن به آن بشتابید هر آینه سیل شما را اینجا و آنجا (همه‌جا) فرا می‌گیرد.

ه- خشکسالی و قحطی

رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَا مُطِرَ قَوْمٌ إِلَّا بِرَحْمَتِهِ وَ مَا قُحِطُوا إِلَّا بِسَخَطِهِ

رسول خدا (ص): هیچ قومی جز با رحمتی باران نبیند و جز با غضبی به قحطی و خشکسالی دچار نشود.

۲- حکمت‌ها و علت‌های نزول بلاء

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

تفکر شکل‌گیری مدیریت بحران را اولین بار رابرت مک‌فامارو در زمان احتمال وقوع درگیری موشکی بین آمریکا و کوبا مطرح کرد و بدین ترتیب از اواخر دهه ۱۹۷۰ به عنوان یکی از الزامات مدیریت استراتژیک بکار گرفته شد. در ایران با توجه به اینکه اولین اقدام در سال ۱۳۴۸ آغاز شد ولی به صورت رسمی ستاد پیشگیری و مدیریت بحران از سال ۱۳۸۳ برای مقابله با آسیب‌های حوادث طبیعی شکل گرفت. یکی از خلأهای توسعه امنیت ملی که می‌تواند هزینه‌های نظام را در مقاطع زمانی قبل، حین و پس از وقوع ناامنی‌های اجتماعی افزایش دهد، عدم پیروی از الگویی منسجم برای مدیریت پیش‌رویدادی و نرم ابزارگرایانه بحران‌های امنیتی است. به‌ویژه اینکه بر اساس نظریه باری بوزان در کتاب مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران در یک محیط امنیتی بی‌ثبات قرار گرفته که این موضوع ضرورت تدوین نظام جامع مدیریت بحران‌های امنیتی انتظامی برای بازیگرانی که به لحاظ جغرافیایی در این گونه محیط‌ها قرار می‌گیرند را بیشتر کرده است. چارچوب الگوی بومی مدیریت بحران‌های امنیتی سیاسی جمهوری اسلامی ایران بایستی به صورتی تدوین شود که نه تنها پاسخگوی نیازها و اولویت‌های امنیتی کشور باشد بلکه از تحمیل هزینه‌های سنگین نیز جلوگیری کند.

با توسعه دانش و فناوری‌های نوین بر اهمیت مدیریت بحران نیز افزوده می‌شود؛ به‌عنوان مثال یک زمین‌لرزه فاقد ارزش امنیتی است ولی اگر در همین زمین یک نیروگاه هسته‌ای، پالایشگاه نفت یا پادگان نظامی ساخته شود، دارای ارزش امنیتی می‌شود و بالتبع نیازمند تدابیر حفاظتی و پیشگیرانه است. از نظر موضوعی، مطالعات انجام شده

پیرامون بحران‌ها را می‌توان بر روی چهار جنبه دلایل پیدایش، پیامدها، اقدامات احتیاطی پیشگیرانه و اقدامات پس از بحران متمرکز کرد.

بحران‌ها عواملی داخلی یا خارجی هستند که تعادل نظام را مختل می‌کنند. بحران‌ها از لحاظ منشأ به سه دسته زیر طبقه‌بندی می‌شوند:

۱- بحران‌های طبیعی

بیش از ۴۶ نوع حادثه طبیعی وجود دارد که تحت عنوان بحران‌های طبیعی شناخته می‌شوند مانند سیل، زلزله، خشکسالی و تسونامی؛ در جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با بحران‌های ناشی از وقوع حوادث طبیعی، ستاد پیشگیری و مدیریت بحران تشکیل شده است.

۲- بحران‌های انسان‌ساز

ناشی از قصور افراد یا عدم رعایت نکات ایمنی است مانند وقوع آتش‌سوزی در تأسیسات شیمیایی یا انفجار نیروگاه‌های هسته‌ای؛

۳- بحران‌های امنیتی با اهداف سیاسی، امتیازگیری، تغییر رفتار یا تضعیف نظام‌های سیاسی ایجاد می‌شود مانند وقوع جنگ، حوادث تروریستی، حمایت‌های برون‌مرزی برای ایجاد و گسترش شورش‌های مدنی، صنفی، دانشجویی، قومی و فرقه‌ای.

مدیریت ریسک در حوزه مطالعات امنیتی به معنای کاربست تمهیداتی برای جلوگیری از تبدیل تهدیدهای بالقوه به بالفعل است. معمولاً قبل از وقوع بحران‌ها، پیش‌زمینه‌ای به نام تهدید یا خطر بالقوه وجود دارد؛ به‌عنوان مثال توسعه گستره جغرافیایی، عملیاتی و ساختاری ناتو در محیط پیرامونی ایران و انعقاد توافقنامه‌های امنیتی دوجانبه آمریکا با کشورهای همسایه می‌تواند پیش‌زمینه وقوع بحران‌های امنیتی و یا عدم رعایت تدابیر ایمنی در ساخت نیروگاه هسته‌ای بوشهر می‌تواند پیش‌زمینه وقوع بحران انسان‌ساز (چالش‌های زیست‌محیطی) را به وجود آورد. بحران هنگامی شکل می‌گیرد که خطر بالقوه به بالفعل تبدیل شود و فقدان تهدید شناسی مطلوب و عدم آسیب‌شناسی تهدیدها بر سطوح کلان جامعه می‌تواند وزنه آسیب‌رسانی بحران‌ها را سنگین‌تر نماید به‌ویژه اینکه در اکثر مواقع میان بحران‌ها یک رابطه زنجیره‌ای وجود دارد، بطوریکه گسترش و تداوم بحران‌های امنیتی می‌تواند بستر شکل‌گیری بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و بالعکس را فراهم کند.

بحران‌های طبیعی، امنیتی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، تاریخی، روان‌شناختی، زیست‌محیطی و سازمانی از مهم‌ترین بحران‌ها هستند.

بحران‌های پنهان که حالت خزنده و گاهی مزمز داشته و به‌صورت تدریجی و مرحله‌ای شکل می‌گیرند بسیار خطرناک‌تر از بحران‌های آشکار و ملموس هستند. تهاجم نظامی، افزایش تنش‌های دیپلماتیک، کودتای نظامی، فروپاشی دولت‌ها، گسترش تنش‌های گسسته و متراکم، خیزش‌های اجتماعی، ترور نخبگان سیاسی، منازعات قومی فرقه‌ای و فجایع زیست‌محیطی هرکدام می‌توانند منشأ وقوع بحران باشند.

در مدیریت بحران بایستی میزان احتمال وقوع تهدیدها مشخص شوند در غیر این صورت نمی‌توان آن‌ها را اولویت‌بندی و دسته‌بندی نمود و بالطبع ساختارهای انتظامی، امنیتی و اطلاعاتی برای پوشش آن‌ها با موانع عملیاتی

روبرو خواهند شد. یکی از تدابیر مدیریت مؤثر بحران امنیتی انتظامی بهره‌گیری از تجربیات کشورهای بحران‌خیز و توسعه‌یافته است که توانسته‌اند قوانین مناسبی را در این حوزه تدوین کنند.

به دلیل اینکه جمهوری اسلامی ایران با انواع ناپایداری‌های امنیتی داخلی و خارجی مواجه است، کنترل مدیریت بحران یکی از پیش‌نیازهای راهبردی ساختار امنیت ملی است. سه رویکرد مختلف پیرامون نحوه مدیریت بحران‌های امنیت عمومی وجود دارد:

۱- رویکرد بحران‌گریزی: مدیرانی که چنین رویکردی را در مدیریت خود برمی‌گزینند، از راهبرد انفعالی در قبال بحران‌ها استفاده می‌کنند و هیچ‌گونه آمادگی قبلی و برنامه مشخصی برای مقابله با بحران ندارند و تا فشار افکار عمومی را در شرایط بحران احساس نکنند، به واکنش نمی‌پردازند.

۲- رویکرد بحران‌ستیزی: در این رویکرد نهادهای ذی‌ربط با پذیرش بحران به عنوان قانون طبیعی، نوعی راهبرد فعال را برای مواجهه با آن برمی‌گزینند و از تمامی تان و ظرفیت‌های خود برای پیش‌بینی بحران قبل از وقوع و مقابله مؤثر با آن در صورت وقوع بهره می‌گیرند.

۳- رویکرد بحران‌پذیری: در این رویکرد مدیریتی علاوه بر پذیرش بحران به عنوان یک امر محتوا، به‌پیش‌بینی و استقبال از آن نیز پرداخته می‌شود.

در چارچوب این راهبرد، هر بحران ممکن است فرصت‌هایی را با خود به همراه داشته باشد. لذا باید مترصد بحران‌ها بود و از قبل پیش‌بینی‌ها و آمادگی‌های لازم را برای مواجهه با آن‌ها به وجود آورد تا در صورت بروز بتوان در راستای فرصت‌آفرینی از آن‌ها بهره‌برداری کرد.

مدیران مجهز به راهبرد فوق‌نه‌تنها تابع شرایط بحرانی نیستند و در صدد انطباق با آن برنمی‌آیند، بلکه به تطبیق شرایط با اهداف و مقاصد خود می‌پردازند و پیشرو عمل می‌کنند. چنین مدیرانی توانایی تبدیل بحران‌ها به فرصت‌ها را دارند.

بحران‌های ناگهانی به سرعت به وجود می‌آیند، قابلیت پیش‌بینی کمی دارند، آشکارند و در یک بازه زمانی ثابت به وقوع می‌پیوندند. بحران‌های تدریجی به صورت مرحله‌ای و بطئی ایجاد و گسترش می‌یابند. نقطه شروع این‌گونه از بحران‌ها از سطح آستانه شروع و باگذشت زمان احتمال بروز آن‌ها بیشتر می‌شود. مهم‌ترین ویژگی‌ها و شاخص‌های شرایط وقوع بحران عبارت‌اند از:

یک وضعیت بحرانی، موقعیتی کوتاه‌مدت و حاد است اگرچه طول مدت آن همواره نامشخص است. بحران به وجود آورنده رفتاری است که بیشتر آسیب‌شناسانه است؛ مانند احساس بی‌کفایتی یا به دنبال مقصر واهی گشتن.

بحران اهداف طرف‌های درگیر را با تهدید مواجه می‌سازد. بحران امری نسبی است؛ یعنی آنچه برای یک حزب یا یک شخص بحران به حساب می‌آید ممکن است از دید طرف دیگر بحران نباشد. بحران موجب بروز تنش (فیزیکی و اضطراب) در ساختار سیاسی امنیتی کشور می‌شود. مک کارتی شاخصه‌های یک موقعیت بحرانی را عبارت می‌داند از:

به خطر افتادن اهداف اولویت‌دار واحد تصمیم‌گیری، منابع فوق‌العاده را می‌طلبد؛ (برای مهار و برخورد با بحران باید منابع فوق‌العاده‌ای پیش‌بینی، سازمان‌دهی و بکار گرفته شوند)، نیازمند تصمیم‌گیری تحت شرایط وخیم و در زمان محدود با اتکای به اطلاعات ناقص هستند، ماهیت و آثاری طولانی و استهلاکی دارند.

- تهدیدهایی علیه امنیت ملی؛

- کمبود اطلاعات و مبهم بودن نتایج تصمیم‌ها

- فشار زمانی

- الزام اختصاص منابع فوق‌العاده برای مهار آن

- حداقل کنترل بر اوضاع

گفتار دوم: مراحل شکل‌گیری بحران

مراحل شکل‌گیری بحران‌ها عبارت‌اند از:

۱- مرحله تکوین: در مرحله تکوین، بحران نماد عینی ندارد و بسترهای اولیه وقوع بحران به‌صورت پنهان شکل می‌گیرد و در حقیقت بحران مراحل جنینی خود را سپری می‌کند. تشخیص نشانه‌ها و علائم ظهور بحران در این مرحله بسیار دشوار است.

در ارتباط با بحران مشروعیت در یک نظام سیاسی، مرحله تکوین، وجود زمینه‌های ضعف و ناکارآمدی در ساختار نظام اداری (به شکل دیوان‌سالاری غیرمنطقی) است که پس از مدتی، ظهور و بروز آن در قالب مشکل و معضل پدیدار می‌شود.

۲- مرحله ظهور: بحران‌ها در مرحله ظهور (که مقطع رشد و بالندگی است)، مراحل تکامل و رشد خود را که نشانه‌ها و علائم آن قابل مشاهده و درک می‌باشند، سپری می‌کنند. شروع مرحله ظهور بحران به‌صورت بروز و به وجود آمدن یک موضوع است. اگر موضوع به خوبی مورد توجه و مطالعه کارشناسان قرار نگیرد و اقدام‌های اولیه و مؤثر جهت رسیدگی به این موضوع به عمل نیاید، این موضوع به یک مسئله و سپس به یک مشکل تبدیل می‌شود و آثار و ابعاد این مشکل بخشی از ظرفیت اجتماعی را تحت تأثیر قرار داده و ممکن است واکنش‌های اجتماعی و سیاسی را به دنبال داشته باشد.

۳- مرحله اقدام: متولیان امر با علنی و آشکار شدن نشانه‌های ایجاد و گستره افزایشی وقوع بحران بایستی وارد عمل شده و تدابیر و اقدام‌های لازم و مناسب را جهت تحدید و مهار بحران بکار گرفته و با عوامل و منابع بحران‌ساز و تشدیدکننده بحران برخورد و به تدریج بر موقعیت بحرانی تسلط پیدا کرده و ضمن جلوگیری از گسترش بحران، زمینه‌های بازگشت به وضعیت اولیه و شرایط عادی قبل از بحران را به وجود آورند. به عبارتی مدیریت بحران مجموعه اقدام‌های برنامه‌ریزی‌شده در قبل، حین و پس از وقوع بحران است که باهدف پیشگیری یا مهار و کنترل بحران و از بین بردن آثار آن و برگشت به شرایط قبل از بحران صورت می‌گیرد.

مهم‌ترین اصول مدیریت بحران عبارت‌اند از:

۱- اصل محدودیت هدف: به‌منظور پرهیز از تشدید و اوج‌گیری بی‌حاصل بحران (که خسارات غیرقابل جبران برای طرفین درگیر در بحران در بردارد) و افزایش امکان و فرصت هر یک از طرفین برای دستیابی به نتیجه مطلوب،

طرفین درگیر بایستی اهداف خود را محدود کنند، زیرا اتخاذ اهداف نامحدود و اصرار بر تحقق این اهداف منجر به گسترش دامنه بحران و توسعه و فعال شدن اهداف حاشیه‌ای می‌شود که ضمن افزایش مقاومت و سرسختی در طرف مقابل، امکان دستیابی به توافق و مهار بحران حداقل در کوتاه‌مدت را بسیار دشوار می‌سازد.

۲- اصل نیاز به اطلاعات: استفاده از اطلاعات به‌منظور افزایش ظرفیت و توانمندی مدیران و کارگزاران بحران در درک پیچیدگی و حساسیت‌های موقعیت بحرانی و اتخاذ تصمیم‌های نافذ و اثربخش، یک ضرورت و اصل انکارناپذیر است.

۳- مهار ابزار در نیل به هدف: به‌منظور جلوگیری از افزایش تنش‌های حاصل از بحران، طرفین درگیر باید از ابزار زور و فشار تنها در حد ضرورت و به‌طور محدود استفاده کنند.

۴- اصل ارتباط: این اصل بر اهمیت ارتباط در مدیریت بحران تأکید دارد.

۵- اصل مشروعیت: این اصل بر مشروعیت استفاده از ابزار و روش‌های مقابله با بحران تأکید دارد.

مدیریت بحران مستلزم طراحی و کارآمد سازی ساختارهای ستادی و عملیاتی مقابله با بحران، ارتقای مهارت‌های اطلاعاتی و عملیاتی مدیران بحران، استفاده از ابزار و فنون نوین، نهادینه‌سازی رویکرد مدیریت پیش‌رویدادی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی و سرمایه‌های اجتماعی در مواجهه و کنترل بحران است. برای دستیابی به این قابلیت و توانمندی می‌بایست:

۱- بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی: یکی از محورهای سیاست‌های کلی قانون برنامه پنجم (بند ۲-۴۵) اهتمام به حضور نیروهای مردمی در امنیت سازی و توسعه کمی و کیفی بسیج برای دفاع از تمامیت ارضی است که تحقق آن مستلزم اقتدار افزایی، پرهیز از نگاه حزبی ابزاری و تبیین جایگاه آن در ساختار مدیریت بحران دفاعی امنیتی است. در بند ۳۶ سند چشم‌انداز نیز بر توجه ویژه به حضور و سهم نیروهای مردمی در امنیت سازی، دفاع از کشور و انقلاب با تقویت کمی و کیفی بسیج مستضعفین تأکید شده است.

با توجه به گستردگی جغرافیایی نیروی مقاومت بسیج و تعامل دائم آن با سطوح مختلف جامعه، بسیج در قالب دفاع موزاییکی یا مسطح می‌تواند نقش مهمی را در روند امنیت افزایی پایدار و ارتقای ضرایب امنیت کلان‌شهری و استانی ایفا می‌کند و اهمیت آن در استان‌های برخوردار از موزاییک‌های قومی فرقه‌ای یا استان‌های مرزی برجسته‌تر می‌شود.

۲- بهره‌گیری از شیوه‌های امنیت موزاییکی: در امنیت سازی موزاییکی پتانسیل‌های بحران‌زا در هر استان به‌صورت جداگانه رصد، اولویت‌بندی و تهدیدسنجی شده و بسته سیاستی متناسب با همان استان تدوین می‌شود؛ به‌عنوان مثال جنس و نوع پیش‌زمینه‌های وقوع بحران‌های طبیعی در استان سیستان و بلوچستان با استان تهران متفاوت است و نمی‌توان برای هر استان نسخه واحدی را اجرا کرد.

برخی فرصت‌های نهادینه‌سازی امنیت موزاییکی در ساختار مدیریت بحران‌های طبیعی عبارت‌اند از: هم‌افزایی بهینه ظرفیت‌های فرماندهی سپاه استان‌ها، شورای تأمین استانداری‌ها، سازمان اطلاعات استان‌ها (تقویت اشراف اطلاعاتی)، نیروی انتظامی و بسیج نقش مهمی را در روند خنثی‌سازی تهدیدات امنیت اجتماعی در سطوح امنیت افزایی کلان‌شهری و استانی، توجه به عنصر زمان در مدیریت تهدیدهای امنیتی ناشی از بحران‌های طبیعی،

پیشگیری از وقوع آسیب‌های امنیتی ناشی از وجود موزاییک‌های قومی فرقه‌ای در کشور، بهره‌گیری از مزیت‌های فنون شبیه‌سازی: بهره‌گیری از امکانات و تجهیزات شبیه‌سازی صحنه بحران به منظور تمرین و بالا بردن آمادگی و قدرت عمل مدیران و عناصر عملیاتی مقابله با بحران

گفتار چهارم: الگوهای مدیریت بحران. مهم‌ترین الگوهای مدیریت بحران در ساختار مطالعات امنیت ملی عبارت‌اند از:

لات چرخه مدیریت بحران را متشکل از پنج مرحله انتظار، اعلام خطر، نجات، عادی‌سازی و توان‌بخشی می‌داند. میتراف و پیرسون الگوی پنج مرحله‌ای را ارائه کرده‌اند که بر اساس آن اولین گام در مدیریت بحران، تشخیص آن است. این الگو از آن جهت اهمیت دارد که به هر دو مرحله تشخیص که گامی اساسی در مرحله قبل از بحران به حساب می‌آید و مرحله «یادگیری که در اغلب الگوهای مدیریت بحران مغفول واقع شده، توجه کرده است. الگوی مزبور در شکل زیر نشان داده شده است.

آینده‌پژوهی به مفهوم یادگیری اصول و روش‌های مطالعه، تصمیم‌گیری، طرح‌ریزی و اقدام در خصوص علوم و فناوری مرتبط با آینده است. پیش‌بینی و آینده‌نگری، نظام را مجهز به اطلاعاتی می‌کند که می‌تواند در زمان مناسب، جایگاه مناسب خود را پیدا کند.

مطالعات آینده‌نگر، باید مبتنی بر تفکر و تحلیل گذشته‌نگر، بررسی دقیق وضع موجود، کثرت‌گرایی در پیش‌بینی‌ها، سناریوسازی و توجه به معیارهایی از قبیل اعتبار مدل‌ها، دقت اطلاعات و دقت در پیش‌بینی‌ها استوار باشد. الف- مرحله پیش‌بینی: آینده‌پژوهی امنیت محور، سناریو پردازی، بهره‌گیری بهینه از ظرفیت اطلاعات مردمی، تقویت پدافند غیرعامل ناجا، کاربست تدابیر لازم و مؤثر برای صیانت از سرمایه‌های اجتماعی، طراحی الگوهای متناسب با تهدیدات اجتماعی و رفع کاستی‌های تقنینی، نظارتی و اجرایی توسعه امنیت نرم از مهم‌ترین تدابیری هستند که ظرفیت نهادهای امنیتی انتظامی برای مقابله با تهدیدات احتمالی پیش‌بینی شده را دوچندان می‌کند.

ب- مرحله پیشگیری: پیشگیری به مفهوم کاربست تدابیر مؤثر و بازدارنده برای مقابله با گسترش عمق و دامنه جرائم امنیت عمومی است. به‌عنوان مثال اتخاذ تمهیدات مناسب با نزدیک شدن به برگزاری انتخابات با رویکرد مدیریت پیش رویدادی برخی اعتراضات احتمالی در این مرحله قابل ارزیابی است.

ج- مرحله آمادگی: هرگاه ارزیابی ساختارهای انتظامی امنیتی بیانگر احتمال بالای وقوع ناامنی عمومی باشد، نهادهای ذی ربط بخشی از امکانات خود را برای مقابله با آسیب‌ها و تهدیدات احتمالی بسیج کنند. به‌عنوان مثال ایجاد برخی محدودیت‌ها در تردد یا فرمان آماده‌باش نیروهای امنیتی اطلاعاتی در این مرحله مفهوم می‌یابد.

در صورت وقوع ناامنی‌های عمومی گسترده، نحوه مدیریت نهادهای انتظامی امنیتی در ۲۴ ساعت شروع بحران حائز اهمیت بوده که شامل سه گام اساسی زیر است: الف- مرحله هشدار و مصونیت: به عنوان مثال اقدامات و تدابیر ناجا برای حفاظت از مغازه‌ها، اماکن و تأسیسات عمومی در آغاز بحران که شدت درگیری بالاست، در این مرحله گنجانده می‌شود. ب- مرحله ارزیابی مقدماتی و بسیج منابع: اقداماتی که در ۲۴ ساعت اول وقوع بحران در رابطه با برآوردهای اولیه از سطح و شدت آسیب‌ها انجام و به بسیج تمام منابع اعم از انسانی و غیرانسانی پرداخته می‌شود. ج- مرحله پاسخگویی سریع: عده‌ای، این مرحله را یکی از گام‌های مرحله حین بحران می‌دانند در حالی که

یک سری اقدامات عاجل و اضطراری با عنوان «پاسخگویی سریع باید در همین مرحله صورت گیرد. برای نمونه، همگان اذعان دارند بحران‌ها آستان شایعات‌اند و در همان مراحل شکل‌گیری و شروع بحران اگر شایعات کنترل و مدیریت نشوند کار را دوچندان بدتر می‌کنند و بر وخامت اوضاع خواهند افزود و چه بسا بحران‌های دیگری از دل آن سر برآورد.

مهندسی انتظامی امنیتی حین بحران، مجموعه تدابیر و اقدام‌هایی است که ساختارهای مرتبط با رویکرد واکنش سریع، مؤثر، مدیریت روابط عمومی و عادی‌سازی شرایط اتخاذ می‌کنند. الف- مرحله امداد و نجات: در بسیاری از آشوب‌های خیابانی مشاهده می‌شود که عده‌ای بی‌گناه چه از ناحیه عوامل بحران‌ساز و چه از ناحیه نیروی انتظامی دچار آسیب می‌شوند که ناجا باید برای کمک‌رسانی به چنین افرادی برنامه‌ها و امکانات لازم را پیش‌بینی کرده باشد. ب- مرحله عملیات ویژه: معمولاً هنگامی که ناامنی عمومی به حدی رسد که کنترل آن از توان پلیس محلی و یگان امداد خارج شود، یگان ویژه کنترل اوضاع را در دست می‌گیرد و در این راستا اقدام به یک سری عملیات ویژه می‌کند. ج- مرحله مهارسازی: اقداماتی که در راستای مهار و فرونشاندن بحران انجام می‌شود.

در مرحله پیشگیری از وقوع بحران، سه کارویژه کنترل، خنثی‌سازی و ظرفیت‌سازی امنیتی ولی در مرحله وقوع بحران نابودسازی تهدیدها در محیط عملیاتی برجسته‌تر می‌شود و بالطبع هزینه‌های مادی و معنوی پیشگیری برای نظام بسیار کمتر از هزینه‌های سرکوب و مهار بحران است.

مدیریت انتظامی امنیتی بعد از بحران مجموعه سیاست‌هایی است که با رویکرد بهبود، بازتوانی و بازسازی مجدد شرایط کشور به وضع قبل از بحران اتخاذ می‌شوند که شامل مراحل زیر است: الف- مرحله بازیابی: این مرحله که پس از مهار بحران و کنترل اوضاع شروع می‌شود، دلالت بر مجموعه اقداماتی دارد که به عادی‌سازی شرایط می‌انجامد. همان‌گونه که ارگان‌بسم بدنی را پس از یک عمل جراحی چندین ساعته در شرایط بازیابی قرار می‌دهند تا تمامی علائم حیاتی، مانند تعداد ضربان قلب و تنفس، به وضعیت عادی و طبیعی خود برگردد، در مرحله بازیابی بحران‌های امنیت عمومی نیز ضروری است پس از مهار و فرونشاندن بحران، مجموعه اقداماتی در راستای آرام‌سازی و برگرداندن اوضاع به حالت طبیعی صورت گیرد.

ب- مرحله بازسازی: اقداماتی که در راستای پاک‌سازی محیط بحران از هر گونه علائم و شواهد انجام می‌شود که از این به مرحله ترمیم، بهبود، توان‌بخشی و توسعه مجدد نیز یاد می‌شود. به‌عنوان مثال دلجویی و جبران خسارت آسیب دیدگان یا ترمیم اماکن و تأسیسات آسیب‌دیده بخشی از اقدامات لازم در مرحله بازسازی است.

ج- مرحله یادگیری: تجربیاتی که نهادهای انتظامی امنیتی جمهوری اسلامی ایران از بحران‌های امنیت عمومی گذشته مانند حوادث کوی دانشگاه تیرماه ۱۳۸۷ یا آشوب‌های خیابانی پس از دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری به دست آورده‌اند می‌تواند با تجربه افزایی نهادهای ذی‌ربط ظرفیت امنیت بازدارنده نیروی انتظامی یا وزارت اطلاعات را برای مدیریت پیش‌رویدادی ناامنی عمومی افزایش داده و مقابله با حوادث مشابه با حداقل هزینه را موجب شود.

در هر کدام از مراحل چهارگانه قبل، شروع، حین و پس از وقوع ناامنی‌های عمومی، رسانه‌ها به دلیل نقشی که در ارتقای ظرفیت اقناع‌پذیری یا همسوسازی جامعه با ساختارهای حاکمیتی ایفا می‌کنند، به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای نرم ابزارگرایانه امنیت ملی برای کنترل و خنثی‌سازی ناامنی‌های عمومی ارزیابی می‌شوند.

ادبیات مدیریت بحران در جامعه علمی ایران همچنان بر آثار ترجمه‌ای استوار است و بنابراین، نگارش اثری تألیفی در مورد ابعاد حقوقی آن بسیار دشوار است. مدیریت بحران به عنوان یک رشته علمی، در سایر کشورها نیز از سابقه چندانی برخوردار نیست و مجموعه آثار مربوط به آن با وجود کثرت و تنوع، به طور عمده در چند سال اخیر به رشته تحریر درآمده‌اند. اگر این مجموعه آثار را به دو دسته تقسیم کنیم که مباحث نظری و بنیانی دسته اول و موضوعات علمی و عینی دسته دوم را تشکیل دهند، در ایران هیچ کدام از این موضوعات به طور شایسته مورد توجه و مطالعه جدی قرار نگرفته و پژوهشگران این حوزه مطالعاتی، راه دشواری را در پیشرو خواهند داشت. حتی اندک آثاری هم که ترجمه شده‌اند، بیشتر بر بحران‌های گریبان‌گیر سازمان‌ها و شرکت‌های تجاری و صنعتی تمرکز داشته‌اند و بحران‌های طبیعی یا امنیتی و به طور کلی چالش‌های رو در روی جوامع و حکومت‌ها، در این گونه ترجمه‌ها نمود چندانی ندارند. این بدان معناست که متصدیان و علاقه‌مندان برای درک درستی از مباحث این حوزه، همچنان باید به آثار منتشره به زبان‌های بیگانه مراجعه کنند. با توجه به این امر، مطالعه حقوقی مدیریت بحران می‌بایست از مباحث نظری و مبانی آغاز کند و به تدریج وارد موضوعات عینی‌تر و عملی‌تر شود. شاید این دو دسته مباحث، نیازمند تدوین و انتشار آثار جداگانه‌ای بوده باشند.

با وجود ظهور و بروز چالش‌های متعدد و پردامنه در ایران، مدیریت بحران، چند مورد اعتنای قانون‌گذار ملی نبوده و بنابراین، به جز مباحث نظری در باب نسبت مدیریت بحران با فلسفه وجودی دولت یا ارتباط حقوق و مدیریت بحران، تنها موازین موجود در این زمینه، قواعد و مقرراتی است که از تعهدات بین‌المللی دولت‌ها ناشی می‌شود و در دو دسته شناخته‌شده حقوقی؛ یعنی حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه بازتاب یافته است.

از سوی دیگر، سازوکارهای مختلف برخورد با مخاطرات و تهدیدها، با عنایت به تجارب گرانبار همه جوامع و با تکیه بر رویکرد علمی به پدیده‌های اجتماعی برای تسلط نسبی بشر بر آن‌ها، سالیانی است که به سیستمی گسترده و سنجیده بدل شده و جوامع مختلف سعی می‌کنند از رهگذر استقرار و تثبیت و نهادینه‌سازی یک نظام واحد، انواع گوناگون بحران‌های متصور را به مهمیز بکشند و آن‌ها را در کنترل خود درآورند. در این میان، سازوکارهای حقوقی جایگاهی شناخته‌شده و پراهمیت یافته است و با توجه به ابعاد متعدد خود، به جرئت می‌توان نام نظام حقوقی مدیریت بحران را بر آن نهاد؛ نظامی که نه تنها موازین ناظر بر عملیات مقابله با بحران‌ها، بلکه ساختار و سازمان مدیریت بحران، فرایندهای سیاست‌گذاری، صلاحیت‌ها و اختیارات نهادهای ذی‌ربط، وظایف و تکالیف افراد و اشخاص و... را نیز در برمی‌گیرد. نگاهی کلی به ابعاد گسترده حقوق مدیریت بحران، بلافاصله نشان داد که اثر حاضر نیز نمی‌تواند همه مباحث را در برمی‌گیرد، لذا مقرر شد کتاب حاضر تنها به مباحث مقدماتی اختصاص یابد. آمادگی در برابر حوادث - حتی در صورت نسبی و در حد تشریفات - می‌تواند در صورت بروز فاجعه شرایط متفاوتی ایجاد کند، برای حفظ آمادگی باید از تمام وقایعی که هنگام بروز فاجعه روی می‌دهد، درک صحیح و کاملی داشته باشیم.

منابع

- قرآن کریم.
نهج البلاغه.
- (۱۳۸۹)، صحیفه امام، ج ۲۱، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ج ۴، ۱۳۸۹.
- (۱۴۱۰ ق)، المعالم الجدیده للاصول، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- (۱۴۲۰ ق)، تحریر الاحکام علی مذهب الإسلامیه، ج ۱، قم: مؤسسه امام صادق ۷.
- (۱۳۸۶)، ده گفتار - بحثی درباره مرجعیت و روحانیت، قم: صدرا.
- ، المله و نصوص اخرى، تحقیق محسن مهدی، بیروت: مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت، ۱۹۹۱ م.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال‌الدین محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ق)، لسان العرب، ج ۱۳، بیروت: دار ال فکر للطباعه و النشر و التوزیع، ج ۳.
- اقتداری، علی محمد (۱۳۹۲)، سازمان و مدیریت: سیستم و رفتار سازمانی، تهران: انتشارات مولی، ج ۴۱.
- امام خمینی، سیدروح الله (بی‌تا)، البیع، ج ۲، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- انصاری، مرتضی (۱۳۸۷)، فرائد الاصول، ج ۲، قم: مجمع الفکر الاسلامی.
- آیین‌نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان مدیریت بحران کشور. ۱۳۸۸. وبگاه سازمان مدیریت بحران. قابل دسترس در:
- بحر العلوم، محمدبن محمدتقی (۱۴۰۳ ق)، بلغه الفقیه، ج ۲ و ۳، تهران: منشورات مکتبه الصادق ۷، ج ۴،
- برنامه اقدام ملی مقابله با بیابان‌زایی و تعدیل اثرهای خشکسالی در جمهوری اسلامی ایران؛ وزارت جهاد کشاورزی؛ ص: ۷۵؛ (۱۳۸۱)
- بروجردی، سیدحسین (۱۳۷۵)، البدر الزاهر فی صلاه الجمعه و المسافر، تقریر حسینعلی منتظری، قم: مکتب آیةالله منتظری.
- بهبهانی، محمدباقر (۱۴۱۹ ق)، الرسائل الفقیهیه، قم: مؤسسه علامه وحید بهبهانی.
- پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی. ۱۳۸۵. مدیریت بحران شهری تهران. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- پورعزت، علی اصغر و دیگران. ۱۳۸۳. طراحی سامانه بسیج امکانات ملی برای مواجهه مناسب با بحران‌های طبیعی و اجتماعی. نشریه کمال مدیریت. شماره ۴ و ۵. صص ۷۵-۱۱۰.
- پورعزت، علی اصغر، آرمن فیروزپور و علی اصغر سعدآبادی. ۱۳۹۲. «مطالعه و مقایسه رویکرد اجتماع‌محور مدیریت بحران در کشورهای منتخب». فصلنامه مدیریت سازمان‌های دولتی. سال ۱. شماره ۲. صص ۳۷-۵۲.
- حسینی، حسین (۱۳۸۵)، بحران چیست و چگونه تعریف می شود؟، فصلنامه امنیت، شماره ۱ و ۲
- حسینی، مازیار. ۱۳۸۷. مدیریت بحران. تهران: موسسه نشر شهر.
- داربک، توماس ای؛ هواتمر، جرال دجی؛ مدیریت بحران، اصول و راهنمای عملی دولت‌های محلی؛ ترجمه رضا پورخردمند؛ نشر مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران و شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری؛ ص: ۱۹۳، (۱۳۸۳)
- رز، ریچارد (۱۳۹۰)، سیاست‌گذاری عمومی مقایسه‌ای. ترجمه حمیدرضا ملک‌محمدی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مرتضوی، علی. ۱۳۹۲. «بررسی زلزله ۱۱ مارس ۲۰۱۱ ژاپن» وبگاه انجمن تخصصی ژئومپیا. قابل دسترس در:
- [<http://forum.geomapia.net/index.php?topic/6045/>] [29/6/1392]